

## بازکنکاشی نو در مورد نقش تیپ ویژه شهدای سپاه در عملیات آزادسازی منطقه پیرانشهر - سردشت در سال ۱۳۶۱

کاظم فکری‌راد<sup>۱</sup>

حسین باقری<sup>۲</sup>

محمد رضا هدایتی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۴

### چکیده

این پژوهش با هدف تبیین نقش تیپ ویژه شهدا در ۱۶ مرحله عملیات سرنوشت‌ساز پیرانشهر - سردشت در سال ۱۳۶۱ است؛ به عبارتی، تبیین نقش فرماندهان، ارکان و گردان‌های تیپ ویژه شهدا در عملیات، اهمیت و ویژگی‌های منطقه عملیات و در نهایت تعامل و ارتباط تیپ ویژه شهدا با نیروهای نظامی و انتظامی و مردم بومی منطقه در زمان عملیات به رشته تحریر در آمده است. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی؛ روش گردآوری داده‌های پژوهش ترکیبی (اسنادی - کتابخانه‌ای و میدانی) و روش تجزیه و تحلیل کیفی آن، برداشت نخبگی از اسناد و مدارک و تجزیه و تحلیل آماری مصاحبه‌های خبرگان است. نتایج عملیات پیرانشهر - سردشت، تأمین امنیت ۹۷ کیلومتر جاده مرزی دو شهر پیرانشهر و سردشت، آزادسازی ۱۵۷ روستا و مردم منطقه بود که به مدت ۴ سال زیر سلطه اشغالگران وابسته به استکبار جهانی قرار داشتند. نتیجه تحقیقات حاکی است، تیپ ویژه شهدای سپاه با ۳ گردان رزمی و یک گردان موتوری به‌عنوان تلاش اصلی در پیروزی عملیات پیرانشهر - سردشت، نقش برجسته و تعیین‌کننده‌ای داشته است.

**کلید واژه‌ها:** تیپ ویژه شهدا؛ عملیات؛ محور پیرانشهر - سردشت؛ عملیات پیرانشهر - سردشت

۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دفاعی، دانشکده و پژوهشکده مطالعات بین‌الملل، دانشگاه جامع امام حسین (ع)  
fekri.rad39@gmail.com

۲ - استادیار دانشکده و پژوهشکده مطالعات بین‌الملل، دانشگاه جامع امام حسین (ع)  
bagherirmotahar96@gmail.com

۳ - استادیار پژوهشکده پیامبر اعظم (ص)، دانشگاه جامع امام حسین (ع)  
rhed201250@chmail.ir

## مقدمه و بیان مسئله

انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه) و با ایثار و فداکاری مردم مسلمان و انقلابی ایران در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ به پیروزی رسید، استکبار جهانی (امریکا) با بسیج امکانات منطقه و داخل کشور مبارزه خود را با حکومت نوپای جمهوری اسلامی ایران آغاز نمود. در منطقه کردستان، گروهک‌هایی مانند کومله، دمکرات و...، به عنوان مدافع حقوق خلق گرد با حمله مسلحانه، پادگان مهاباد را اشغال کردند و شهرهای کردنشین مانند مهاباد، سقز، سنندج و...، را تحت سیطره خود قرار دادند. آنها تمام توان و امکانات خود را برای براندازی نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران به کار گرفتند. رژیم بعث عراق، علاوه بر حمایت و پشتیبانی از گروهک‌های معارض با حمایت و پشتیبانی قدرت‌های خارجی در ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹، حملات گسترده‌ای علیه کشور ایران آغاز نمود. بحران داخلی کردستان و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در سال‌های آغازین انقلاب اسلامی، مشکلات و تنگناهای خطرناک برای میهن اسلامی به وجود آورد.

یگان‌های نظامی و انتظامی جمهوری اسلامی ایران بنابر مأموریت ذاتی خود با بخشی از امکانات و تجهیزات موجود اعم از یگان‌های رزمی و پشتیبانی رزمی به مقابله با اغتشاش‌گران در کردستان پرداختند. برای حفاظت از دستاوردهای انقلاب اسلامی، با فرمان امام راحل (رحمت الله علیه)، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۸ تشکیل شد، سپاه پاسداران قبل از جنگ تحمیلی برای مبارزه جدی با گروهک‌های ملحد و معاند، یگان‌های رزم سبک در حد گروهان و گردان در کردستان و سایر مناطق بحرانی کشور تأسیس کرد. با شروع جنگ تحمیلی، یگان‌های رزمی بزرگ‌تر مانند تیپ و لشکر ازسوی سپاه برای مقابله با ارتش تاب‌ن‌دندان مسلح رژیم بعث عراق در جبهه‌های جنوب و غرب کشور تشکیل شد.

پس از فتح خرمشهر در سال ۱۳۶۱ تیپ‌های رزمی مستقل توسط استان‌های کشور تشکیل شد. هم‌زمان با این یگان‌ها، تیپ ویژه شهدا یکی از یگان‌های رزمی مقتدر و منسجم کشور با همت شهیدان والامقام؛ بروجردی، ناصر کاظمی و گنجی‌زاده در خرداد ماه ۱۳۶۱ برای تأمین امنیت استان‌های کردستان و آذربایجان غربی تأسیس شد. تعداد عملیات‌هایی که به وسیله این یگان علیه ضدانقلاب و بعثیون کافر انجام شد و دلاوری‌های رزمندگان سلحشور آن به قدری گسترده است که در این خلاصه نمی‌گنجد. این تیپ در سال ۱۳۶۱ با ۳ گردان رزمی و یک گردان موتوریزه و با استعداد اولیه ۱۶۰۰ نفر در عملیات پیرانشهر - سردشت شرکت کرد. براساس آمار موجود تیپ ویژه شهدا تا سال ۱۳۶۹ با

دوازده گردان رزمی و واحدهای تخریب، مهندسی و توپخانه موفق شد در ۵۰ عملیات کوچک و بزرگ در کردستان و در عملیات‌های بزرگ مانند بدر، قدس ۲، کربلای ۴، کربلای ۵ در جبهه‌های جنوب و کربلای ۲ و ۱۰، والفجر ۹ و ۱۰، نصر ۱، ۴ و ۸، کربلای ۱۰ و مرصاد در عملیات‌های غرب کشور شرکت کند.

مطابق رهنامه (دکترین) قرارگاه حمزه سیدالشهدا (علیه السلام)، اولویت عملیات‌ها در کردستان؛ آزادسازی شهرهای اشغالی، آزادسازی محورهای مواصلاتی بین شهرها و پاکسازی مناطق آلوده مرزی با کشور عراق و ترکیه بود. محور مواصلاتی پیرانشهر - سردشت مهم‌ترین محور راهبردی استان آذربایجان غربی بود که حدود چهار سال در اشغال گروهک‌های غیرقانونی و معاند قرار داشت. در این سال‌ها شهر مرزی سردشت فقط از طریق هوا توسط بالگرد، تأمین و تدارک می‌شد.

یکی از عملیات‌های موفق قرارگاه حمزه سیدالشهدا (علیه السلام) در استان آذربایجان غربی، عملیات آزادسازی منطقه راهبردی پیرانشهر - سردشت در سال ۱۳۶۱ بود که این عملیات توسط تیپ ویژه شهدا با همکاری تیپ ۲ لشکر ۶۴ پیاده ارومیه و ناحیه ۳ ژاندارمری آذربایجان غربی و گردان‌های جندالله و حضرت رسول (صلوات الله علیه) کردستان و واحدهایی از لشکر ۲۸ کردستان انجام شد. این عملیات نه تنها باعث آزادسازی جاده راهبردی دو شهر پیرانشهر و سردشت پس از ۴ سال شد، بلکه مساحتی بالغ بر ۳۵۰۰ کیلومتر مربع از خاک میهن اسلامی و ۶۰ هکتار جنگل و مراتع و ارتفاعات مهم آلوآتان و ۱۸۶ کیلومتر مرز مشترک این دو شهر با کشور عراق از لوٹ وجود ضدانقلاب پاکسازی و همچنین پشتیبانی گروهک‌های غیرقانونی و معاند از طریق عراق متوقف شد.

پژوهشگر در این پژوهش به دنبال «واکاوی عملیات پیرانشهر - سردشت به منظور تبیین نقش تیپ ویژه شهدا در عملیات با رویکردهای پنج‌گانه: «نقش تیپ ویژه شهدا در عملیات پیرانشهر - سردشت، ویژگی‌های منطقه عملیات، نقش فرماندهان و ارکان تیپ ویژه شهدا در عملیات، تعامل تیپ ویژه شهدا با نیروهای نظامی و انتظامی منطقه و در نهایت تعامل تیپ ویژه شهدا با مردم منطقه» است.

## **بررسی ادبیات پژوهش**

انتخاب عملیات پیرانشهر - سردشت: با توجه به اینکه منطقه عملیاتی پیرانشهر - سردشت در منطقه کردستان واقع می‌شد و می‌توانست پل ارتباطی مهم بین مناطق کردستان باشد، لذا محقق این منطقه را به عنوان منطقه عملیات انتخاب کرد. این منطقه دارای اهمیت اساسی بود، زیرا دشمن با اشغال آن،

ارتباط دو استان کردستان و آذربایجان غربی و چند شهر مهم مانند: سردشت، پیرانشهر، مهاباد، نرده و اشنویه را مختل کرده بود، جاده راهبردی پیرانشهر به سردشت تنها جاده‌ی مرزی کشور بود که ۴ سال در اشغال ضدانقلاب بود، لذا دشمن با تمام توان از سنگرهای خود در ۱۶ مرحله عملیات پیرانشهر - سردشت از مناطق اشغالی دفاع می‌کرد.

### تعاریف، مفاهیم و اصطلاحات

تیپ ویژه شهدا: تیپ مستقل پیاده کوهستانی بود که در شرایط بحرانی کردستان در سال ۱۳۶۱ توسط سپاه تأسیس شد، استعداد اولیه تیپ ویژه شهدا سه گردان رزمی و یک گردان موتوریزه بود که در عملیات پاکسازی پیرانشهر - سردشت در سال ۱۳۶۱ شرکت کرد. پس از تأسیس قرارگاه حمزه سیدالشهدا (علیه السلام) در سال ۱۳۶۱، تیپ ویژه شهدا تا پایان دفاع مقدس تحت امر این قرارگاه عملیاتی قرار گرفت (یافت، ۱۳۷۸: ۶۲).

عملیات: عملیات نظامی آفندی یا پدافندی و پشتیبانی‌های اداری مربوط به مأموریت واگذاری است (پیری و همکاران، ۱۳۸۰: ۹۵).

عملیات پیرانشهر - سردشت: این عملیات در منطقه عمومی پیرانشهر - سردشت تحت امر قرارگاه حمزه سیدالشهدا (علیه السلام) با شرکت تیپ ویژه شهدا و تیپ ۲ لشکر ۶۴ پیاده ارومیه در سال ۱۳۶۱ از طرف پیرانشهر اجرا شد (طرح عملیاتی شهید کاظمی سپاه؛ شهریور ماه ۱۳۶۱).

منطقه عملیات پیرانشهر - سردشت: منطقه عملیاتی به طول ۱۰۰ و عرض ۳۵ کیلومتر و مساحت تقریبی ۳۵۰۰ کیلومتر مربع، دارای دو شهرستان پیرانشهر و سردشت و ۱۵۷ روستا، چند بخش و دهستان بود. دو شهرستان با کشور عراق ۱۸۶ کیلومتر مرز مشترک داشتند (چوخاچی زاده و امینی، ۱۳۸۹: ۱۸۶ - ۲۱۰).

مناطق گردنشین غرب و شمال غرب کشور (کردستانات): منظور از مناطق گردنشین غرب و شمال غرب در این پژوهش؛ استان‌های آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه و ایلام است که به دلیل دارا بودن موقعیت خاص جغرافیایی، مذهبی و قومی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی مأمّن مخالفان نظام و بستر فعالیت گروه‌های ضدانقلاب شد (ایزدی و همکاران، ج ۱، ۱۳۸۶: ۱۳).

ژئوپلتیک: ژئوپلتیک در قالب یک مفهوم ترکیبی قابل تبیین است که در آن سه عنصر اصلی یعنی جغرافیا، قدرت و سیاست دارای خصلتی ذاتی می‌باشند (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۸۴).

## روش تحقیق

روش جمع‌آوری اطلاعات: جمع‌آوری اطلاعات به روش ترکیبی به صورت: الف) اسنادی - کتابخانه‌ای از سایت‌های معتبر علمی، ب) میدانی - مصاحبه‌ای و فیش‌برداری. جامعه آماری و جمعیت نمونه پژوهش: جامعه آماری پژوهش، مکتوبات و مصاحبه ۵۰ فرمانده، مسئول و شرکت‌کننده در عملیات پیرانشهر - سردشت بود که ۱۰ نفر از ایشان به صورت هدف‌مند و تعمدی به عنوان جمعیت نمونه پژوهش انتخاب شدند.

## مبانی نظری پژوهش

نظریه ژئوپلیتیک اقلیت‌ها<sup>۱</sup>: اقلیت در برابر اکثریت معنی پیدا می‌کند. اقلیت در قالب یک واحد بزرگ‌تر نظیر کشور، شهر، سرزمین مشترک، ملت، جامعه، روستا و نظایر آن در برابر بخش بزرگ‌تر آن یعنی اکثریت مطرح می‌شود. اقلیت، واجد صفاتی نظیر زبان، قومیت و مذهب است که هویت موصوف را در قالب محیط پیرامون آن توضیح می‌دهد و آن را در شرایط حاشیه‌ای ناشی از فرودستی کمیتی و درعین حال سیاسی، اجتماعی اقتصادی و حتی فرهنگی قرار می‌دهد و وضعیت خاصی از نظر حقوقی و جامعه‌شناختی برای آنها به وجود می‌آورد (ژرژ، ۱۳۷۴: ۱۹).

اقلیت‌ها به طور کلی به دو صورت در قالب یک واحد کلی نظیر کشور، شهر یا جامعه و ملت قرار دارند. صورت اول اقلیت‌های فضائی هستند که هم‌زمان با برخورداری از صفات ویژه، فضای جغرافیایی یا زیستگاهی در بستر تاریخ به آنها تعلق داشته و امروزه در حاشیه یا داخل یک کشور یا دولت قرار گرفته‌اند. این گونه اقلیت‌ها در صورت برخورداری از وزن ژئوپلیتیکی بالا یا نزدیک به اکثریت به نحوی که خودآگاهی درونی را تقویت نماید، منجر به شکل‌گیری احساس خود مختاری یا آرمان سیاسی استقلال و دولت ویژه می‌شوند. صورت دوم اقلیت‌هایی هستند که به صورت جزایر پراکنده درون فضای اکثریت و زیستگاه مشترک زندگی می‌کنند و از تکالیف اجتماعی و جغرافیایی برخوردار نیستند (ژرژ، ۱۳۷۴: ۱۹).

به طور کلی می‌توان گفت که از منظر سرزمین و زیستگاه ویژه، اقلیت‌ها به دو گروه تقسیم می‌شوند: اقلیت‌های منسجم و دارای سرزمین و فضای جغرافیایی دیرینه که می‌توان از آن به اقلیت‌های

اکولوژیکی<sup>۱</sup> تعبیر کرد و اقلیت‌های بدون سرزمین و غیرمنسجم و پراکنده میان اکثریت که می‌توان از آن به اقلیت‌های اجتماعی یا ادغام‌شده، تعبیر نمود. اقلیت‌ها در اشکال مختلف، قلمروهای مختلف و اندازه‌های گوناگون دارند. ویژگی مشترک اقلیت‌ها در همه انواع آن میل درونی و احساس علاقه نسبت به ارزش‌ها و صفات اختصاصی خود است؛ یعنی همان ارزش‌ها و صفاتی که اقلیت را از اکثریت با مرزهای مشخص فضایی، فرهنگی، مفهومی، ذهنی و یا عینی جدا می‌کند. اگر اقلیت نسبت به اکثریت پیرامونی از وزن ژئوپلیتیکی قابل توجه برخوردار باشد، دچار نوعی احساس خوداتکایی، جدایی و استقلال سیاسی می‌شود و مطالبات خود از اکثریت نظیر خودمختاری، خودگردانی، حقوق شهروندی برابر و درنهایت استقلال سیاسی را مطرح می‌کند. معمولاً چون اکثریت از قائل شدن چنین حقوقی برای اقلیت، به‌عنوان امری داوطلبانه، امتناع می‌ورزد. بنابراین، الگوی مناسبات خصمانه بین اقلیت و اکثریت نسبتاً هم‌وزن شکل می‌گیرد و خودمختاری یا استقلال یا ادامه وضع سلطه اکثریت را تا وقت دیگر به‌دنبال دارد. بروز هر کدام از این موارد، به مناسبات و سطح سازگاری اقلیت و یا سطح بین‌المللی، بستگی دارد.

ژئوپلیتیک اقلیت‌ها به‌عنوان گرایشی در علم ژئوپلیتیک، ضمن مطالعه اقلیت‌ها (به‌ویژه اقلیت‌های اکولوژیکی و فضائی) و کالبدشکافی و ساختارشناسی آنها، الگوی مناسبات در حال تغییر بین گروه‌های اقلیت با گروه اکثریت و نیز الگوی مناسبات اقلیت با سایر اقلیت‌ها و یا به‌طور کلی رفتار سیاسی اقلیت‌ها را مطالعه و تجزیه و تحلیل می‌نماید. همچنین نقش این رفتار را در سیاست دولت‌ها و نیز سیاست بین‌الملل مورد توجه و کنکاش قرار می‌دهد (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۸۴). ژئوپلیتیک اقوام در جمهوری اسلامی ایران به‌دلیل تنوع قومی، تصویری شفاف از زیست مسالمت‌آمیز اقوام و گروه‌های قومی را منعکس می‌کند. در این میان، آرمان‌های ایدئولوژیکی و ملی جمهوری اسلامی ایران بسیاری از کلیشه‌های حاشیه‌ای پیرامون ناسیونالیسم قومی را خنثی می‌سازد.

با شروع ناآرامی‌های قومی کردستان در سال ۱۳۵۷، شرایط جغرافیایی (زمین) بستری برای فعالیت‌های ضدانقلاب فراهم آورد. بنابر شرایط منطقه و تحمیل اراده نظامی و روانی، اکثریت قریب به اتفاق مردم از ضدانقلاب پشتیبانی می‌کردند. قدرت‌های خارجی و منطقه‌ای پشتیبان ضدانقلاب بودند اما پس از پیروزی در عملیات‌های کردستانات به‌ویژه عملیات پیرانشهر - سردشت با تدابیر امام (ره) و فداکاری فرماندهان نظامی به‌ویژه شهیدان بروجردی، ناصر کاظمی، گنجی‌زاده، کاوه و قمی،

## بازکنکاشی نو در مورد نقش تپ ویژه شهدای سپاه در عملیات آزادسازی منطقه پیرانشهر - سردشت در سال ۱۳۶۱

ضدانقلاب دو مؤلفه جغرافیا و مردم را ازدست داد، لذا سران گروهک‌ها به دامان اربابان خود (کشور عراق) پناه بردند. این عملیات‌ها موجب شد، اصول نظریه‌های قوم‌گرایی و ژئوپلیتیکی اقلیت‌ها در برابر اراده آهنین رزمندگان اسلام، رنگ ببازد.

موقعیت جغرافیایی استان آذربایجان غربی: استان آذربایجان غربی بین ۴۴ درجه و ۳ دقیقه تا ۴۷ درجه و ۲۴ دقیقه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۵ دقیقه تا ۳۹ درجه و ۴۶ دقیقه عرض شمالی در شمال غرب ایران واقع شده است. بدون احتساب دریاچه ارومیه، ۳۷۴۱۲ کیلومتر مربع وسعت داشته و تقریباً ۲/۳ درصد از مساحت کل کشور را تشکیل می‌دهد. این استان از شمال و شمال شرق با جمهوری خودمختار نخجوان کشور آذربایجان، از شرق با استان‌های آذربایجان شرقی و زنجان، از جنوب با استان کردستان و از غرب با کشورهای عراق و ترکیه همسایه است. ۱۴۹ کیلومتر مرز آبی با جمهوری آذربایجان (نخجوان)، ۲۵۲ کیلومتر مرز خاکی با کشور عراق و ۵۶۶ کیلومتر مرز خاکی با کشور ترکیه و جمعاً ۹۶۷ کیلومتر مرز مشترک با سه کشور، موقعیت جغرافیایی حساسی را برای این استان رقم زده است (مشرقی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲).

ویژگی‌های استان آذربایجان غربی: مجاورت با کشورهای آذربایجان، ارمنستان، ترکیه و عراق، همچنین قرار گرفتن در مسیر آسیا و اروپا، وجود عوارض طبیعی و شرایط خاص محیطی با امکانات مناسب زیستی، وجود قرارگاه عملیاتی فرماندهی شمال غرب (حمزه سیدالشهدا) (علیه السلام) در شهر ارومیه که عملیات رزمندگان اسلام علیه ضدانقلاب، اشراک و متجاوزین بعثی عراق را در استان‌های آذربایجان غربی و کردستان هدایت می‌کرد (ایزدی و همکاران، ۱۳۸۶، ج ۲: ۴). نام استان آذربایجان غربی در صحنه تاریخی کشور، حضوری طولانی دارد و پسوند غربی در سال ۱۳۳۵ با تقسیم این استان به دو بخش شرقی و غربی به آن اضافه شد (قصری ۱۳۸۶: ۲۱۹).

ناهمواری‌ها: استان آذربایجان غربی از لحاظ ناهمواری‌ها، چهره‌ای متنوع دارد. از کل وسعت استان ۲۱ درصد را سرزمین‌های پست و جلگه‌ها، ۶۳ درصد را ارتفاعات و ۱۶ درصد را دریاچه ارومیه به خود اختصاص داده است. مرتفع‌ترین قله استان، آورین به ارتفاع ۳۶۲۲ متر در شهرستان خوی و کم ارتفاع‌ترین نقطه استان در محل خروج رود زاب از ایران به عراق به ارتفاع ۳۴۴ متر واقع شده است (مشرقی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴).

جمعیت استان آذربایجان غربی: براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ از مجموع ۳۰۸۰۵۷۶ نفر جمعیت استان آذربایجان غربی، ۱۹۳۲۵۴۴ نفر در شهرهای استان سکونت

داشته‌اند. باتوجه‌به جمعیت شهری استان در سال ۱۳۸۵، ۱۷۲۴۹۵۴، رشد سالانه جمعیت شهری استان طی سال‌های ۹۰ - ۸۵؛ ۲/۳ درصد بوده است که در مقایسه با میانگین کشوری (۲/۱۴ درصد) اندکی بالاتر بوده است (مشرفی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۰).

موقعیت سیاسی استان آذربایجان غربی: از نظر تقسیمات سیاسی، استان آذربایجان غربی دارای ۱۷ شهرستان، ۴۰ شهر، ۴۲ بخش و ۱۱۳ دهستان و ۳۰۳۱ آبادی دارای سکنه بوده و مرکز آن شهر ارومیه است. استان آذربایجان غربی با مساحت ۳۷۴۱۲ کیلومتر مربع (بدون احتساب دریاچه ارومیه)، از نظر وسعت مقام یازدهم را در سطح کشور داراست. شهرستان ارومیه با وسعت ۵۳۱۲ کیلومتر مربع و شهرستان شوط با ۹۳۱ کیلومتر مربع به ترتیب بزرگ‌ترین و کوچک‌ترین شهرستان‌های استان می‌باشند (مشرفی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲).

احزاب و گروه‌های سیاسی داخلی در منطقه کردستان: پس از پیروزی انقلاب اسلامی با آغاز بحران در مناطق غرب و شمال غرب، گروه‌ها و احزاب سیاسی وابسته به جریان‌های خارجی، متشکل از ساواکی‌های محلی، روحانی‌نماهای خودفروخته (شیخ عزالدین حسینی، شیخ عثمان نقشبندی)، احزاب و گروهک‌های بومی (حزب دموکرات، گروهک کومله، رزگاری، خبات) سازمان‌های غیربومی (حزب توده، چریک‌های فدایی خلق، پیکار، منافقین) به صورت مستقیم و غیرمستقیم با بحران منطقه در ارتباط بودند. دیگر سازمان‌های چپ‌نمای امریکایی، شروع به جذب نیرو، سازماندهی و ایجاد تشکیلات سیاسی - نظامی در منطقه نمودند و برای دستیابی به هدف کلی و اساسی خود؛ یعنی مبارزه با انقلاب و سرنگونی نظام جمهوری اسلامی پا به عرصه مبارزه گذاشتند و در این راه از هیچ جنایتی دریغ نکردند (مرکز اسناد انقلاب اسلامی - کردها و انقلاب اسلامی).

#### آذربایجان غربی در دفاع مقدس

ارتش عراق قبل از آغاز رسمی جنگ، بارها مناطق مرزی، برخی شهرها و پادگان‌های استان آذربایجان غربی را هدف حملات هوایی و توپخانه قرار داد، فرماندهی ارتش عراق این گونه می‌پنداشت که با فعالیت گروه‌های تجزیه‌طلب در مناطق کردنشین و حملات پی‌درپی آنان به شهرها، جاده‌ها، مراکز نظامی و انتظامی، نیازی به حمله زمینی به مرزهای استان آذربایجان غربی نیست، اما هنگامی که پیشروی واحدهای ارتش عراق در جبهه‌های جنوبی و غربی متوقف شد، اولین واحدهای لشکر ۷ پیاده عراق در ۲۳ مهر ۱۳۵۹ در مناطق مرزی حاج‌عمران، مقابل پیرانشهر مستقر شدند.

یگان‌های تحت امر قرارگاه حمزه سیدالشهدا در استان آذربایجان غربی با آنکه درگیر جنگ



## بازکنکاشی نو در مورد نقش تیب ویژه شهدای سپاه در عملیات آزادسازی منطقه پیرانشهر - سردشت در سال ۱۳۶۱

ضد شورش‌گری در مناطق کردنشین استان بودند، ضمن آزادسازی شهرهای مرزی و راه‌های ارتباطی بین‌شهری، تلاش برای مستقرشدن در مرز را آغاز کردند. اولین واحد رزمی در ۲۷ مهر ۱۳۵۹ بعد از آزادسازی پیرانشهر در منطقه مرزی ترمچین مستقر شد، سپس با اجرای عملیات تأمین مرز در مناطق اشنویه و سردشت، یگان‌های تابع قرارگاه حمزه در بیشتر مناطق مرزی استقرار یافتند. پس از آنکه یگان‌های سپاه و ارتش توانستند مناطقی را که ارتش عراق در جنوب و غرب ایران اشغال کرده بود، آزاد کنند. قرارگاه حمزه با توجه به برقراری امنیت نسبی در مناطق شمال غرب کشور برای اجرای راهبرد تنبیه متجاوز، جبهه جدیدی علیه ارتش عراق در استان‌های آذربایجان غربی و کردستان باز کرد (رستگاریانه و مشایخی، ۱۳۹۲: ۲۶-۲۷).

موقعیت جغرافیایی شهرستان پیرانشهر: شهرستان پیرانشهر به مختصات ۴۵ درجه و ۰۸ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۶ درجه و ۴۲ دقیقه عرض جغرافیایی با وسعتی بالغ بر ۲۲۹۳ کیلومتر مربع و طول ۱۰۰ کیلومتر مرز با کشور عراق در جنوب استان آذربایجان غربی قرار گرفته است که از شمال به شهرستان اشنویه، از جنوب به شهرستان سردشت، از شرق به شهرستان مهاباد و از غرب به کشور عراق و از شمال شرقی به شهرستان نقده محدود می‌شود (ایزدی و همکاران، ۱۳۸۶، ج ۲: ۲۲). بر پایه سرشماری سال ۱۳۹۰ کل جمعیت شهر پیرانشهر برابر با ۱۲۳۶۳۹ نفر، جمعیت شهری ۷۰۷۲۲ و جمعیت روستایی ۵۲۹۱۷ بوده است (مشرفی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۲).

اهمیت این منطقه مرزی موجب شده بود در نظام گذشته دو پادگان ارتش در پیرانشهر و پسوه و یک پادگان ژاندارمری در جلدیان احداث شود، به همین دلیل، گروه‌های تجزیه طلب بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به این پادگان‌ها حمله کردند. با صدور فرمان امام خمینی (ره) مبنی بر پاکسازی مناطق آلوده ضدانقلاب در ۲۷ مرداد ۱۳۵۸، شهر پیرانشهر در ۱۱ شهریورماه ۱۳۵۸ از تسلط گروه‌های شورش‌خیز خارج شد ولی در پی مذاکرات هیئت حسن‌نیت و خروج ارتش، سپاه و ژاندارمری از شهر، شورشیان دوباره به شهر پیرانشهر بازگشتند و بر دامنه نا امنی‌ها افزودند، تا اینکه در ۲۷ مهر ۱۳۵۹ با تلاش یگان‌های سپاه، ارتش و ژاندارمری، بار دیگر امنیت به پیرانشهر بازگشت. پیرانشهر در طول جنگ ۶۵ بار هدف حملات هواپیماهای عراق قرار گرفت و بارها توپخانه‌های ارتش عراق نقاط مسکونی این شهر را گلوله باران کردند. در جریان این حملات ۶۶۳ نفر از اهالی این شهر شهید و ۳۹۶ نفر مجروح شدند (رستگاریانه و مشایخی، ۱۳۹۲: ۱۴).

موقعیت جغرافیایی شهرستان سردشت: شهرستان سردشت با مختصات ۴۵ درجه و ۲۸ دقیقه طول

جغرافیایی و ۳۶ درجه و ۱۰ دقیقه عرض جغرافیایی با وسعتی بالغ بر ۱۵۱/۲ کیلومتر مربع و طول ۸۶ کیلومتر مرز با کشور عراق در منتهی‌الیه جنوب استان آذربایجان غربی قرار گرفته است. متوسط ارتفاع این شهرستان از سطح دریا ۱۸۵۰ متر و فاصله هوایی سردشت تا ارومیه ۱۵۵ کیلومتر است (ایزدی و همکاران، ۱۳۸۶، ج ۲: ۲۳). ارتفاع سردشت ۱۵۰۰ متر از سطح دریا جای گرفته است، شهر سردشت از شمال ۹۶ کیلومتر فاصله زمینی به شهرستان پیرانشهر و از جنوب ۶۰ کیلومتر به شهرستان بانه و از جنوب غربی ۱۲۰ کیلومتر فاصله به شهرستان مهاباد منتهی می‌شود. شهرستان سردشت از سمت غرب با کردستان عراق هم‌مرز است. شهر سردشت در فاصله ۳۰ کیلومتری این کشور است. از ویژگی‌های جغرافیایی این شهرستان می‌توان به آب‌وهوای کوهستانی معتدل همراه با بارندگی‌های بهاره، رودخانه‌های پرآب سردشت و بادین‌آباد، آبشار شلماش، کوه‌های بلفت، هوینه مال، زردکه، هومل، سری‌گم و گرده‌سوار، جنگل‌های انبوه و زیبا با وسعتی بالغ بر ۱۶۶۰ کیلومتر مربع، آب فراوان و پراکندگی زیاد جمعیت اشاره کرد. مردم سردشت آنجا را زادگاه زرتشت (پیغمبر ایرانی) می‌دانند و عقیده دارند که سردشت از نام این پیغمبر اخذ شده است. سردشت، طبیعتی زیبا دارد و آبشار آن به نام آبشار شلماش معروف است. در این شهر آثار تاریخی ویژه‌ای کشف شده است. مساحت شهرستان سردشت ۱۳۸۵ کیلومتر مربع، برآورد جمعیت در سال ۱۳۹۳، ۱۱۵۹۵۲ نفر، جمعیت شهری ۶۲۷۹۷ نفر، جمعیت روستایی ۵۳۱۵۵ نفر، ۳/۶ جمعیت استان است (مشرفی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷).

#### تیپ ویژه شهدا

تاریخچه تیپ ویژه شهدا: این تیپ در نطفه اولیه، گردان ویژه بود. این گردان بعد از موفقیت در عملیات پاک‌سازی بانه - سردشت تشکیل شد. حدود ۶۰۰ نفر از پاسدارانی که دوره آموزش پاسداری خود را در یادگان امام حسین (علیه السلام) در تهران گذرانده بودند به منطقه ۷ کشوری اعزام شدند و در همان‌جا این تیپ شکل گرفت. تیپ ویژه شهدا چند عملیات حساس مثل پاک‌سازی محور بانه - سردشت را که قطب سیاسی - نظامی منطقه به‌شمار می‌رفت، در پرونده عملیاتی خود ثبت کرده بود و با سازماندهی منسجم و تجربه‌های به‌دست آمده از عملیات‌های قبلی، توان آن را یافته بود تا ضربه اساسی دیگری به ضدانقلاب وارد کند (شکری، ۱۳۸۹: ۲۶۴ - ۲۴۳).

نقش فرماندهان، جانشین و ستاد تیپ ویژه شهدا در عملیات پیرانشهر - سردشت: او [شهید بروجردی] ناصر کاظمی را به‌عنوان فرمانده یگان و گنجی‌زاده را هم به‌عنوان جانشین و رئیس ستاد معرفی کرد. محمود کاوه هم فرمانده عملیات یگان ویژه کوهستان شد (منصوری، ۱۳۷۹: ۳۱۴).

در هر یگان نظامی، فرمانده نقش تعیین‌کننده دارد. پیروزی، شکست یا موفقیت یگان‌ها در اکثریت

قریب به اتفاق عملیات‌ها مرهون ایثار و فداکاری فرماندهان نظامی است. اگر به دوران پرافتخار دفاع مقدس بپردازیم، نتایج ارزشمندی از ایثار و فداکاری وصف‌نشدنی فرماندهانی مانند شهیدان محمد بروجردی، حسن افشردی، ابراهیم همت، ناصر کاظمی و محمود کاوه را مشاهده می‌کنیم.

اکثر فرماندهان دفاع مقدس و کردستان با حدود ۲۵ سال سن به فرماندهی تیپ/ لشکر یا قرارگاه منصوب شدند، بعضی از فرماندهان در همین سن به درجه رفیع شهادت نائل آمدند. شهید حسن باقری جانشین نیروی زمینی سپاه، زمان شهادت حدود ۲۶ سال سن داشت، شهید کاوه جوان‌ترین فرمانده لشکر کردستان و جبهه‌های جنگ، هنگام شهادت ۲۵ سال سن داشت که فرمانده لشکر ویژه شهدا بود. دکتر علامتی می‌گوید: «در ستاد فرماندهی تیپ ویژه شهدا، یک ترکیب عملیاتی بسیار کوچک ایجاد شد که ۶۰۰ نفر در ۳ قسمت تقسیم شدند، گروهان یا گردان نام‌گذاری کردند، آن نیروها در دل اینها قرار گرفتند. یک تدارکات داشتیم، به اضافه یک بهداری سبک و یک تکه پرسنلی و تعاون داشتیم، کلهم اجمعین ستاد تیپ ویژه شهدا. فرماندهی آقای شهید ناصر کاظمی، معاون آقای گنجی‌زاده، سه تا گردان، یکی بنده، یکی شهید ملکیان، یکی شهید قمی، تدارکات آقای ابراهیمی و آقای رضایی، نیروی انسانی شهید صوفی و بعداً آقای عسکری تعاون آمدند» (علامتی، ۱۳۹۷: ۳).

نقش شهید ناصر کاظمی، اولین فرمانده تیپ ویژه شهدا در عملیات پیرانشهر - سردشت: شهید ناصر کاظمی علاوه بر اینکه فرمانده سپاه کردستان بود و رسالت پاک‌سازی مناطق کردستان را برعهده داشت، تجربه‌ای در این مناطق به دست آورده و عملکرد موفقی را به جای گذاشته بود. یک رسالت سنگین‌تر به ایشان واگذار کرده بودند تا بتوانند به عمق مناطق کردستان و آذربایجان غربی نفوذ و ضدانقلاب را در این مناطق تجزیه و قلم‌و‌قلم‌کند. به همین دلیل، ایشان در ابتدای سال ۱۳۶۱ به عنوان فرمانده تیپ ویژه شهدا معرفی شد.

شهید کاظمی در کنار شهید بروجردی در سال ۱۳۶۰ در تأسیس گردان شهدا و آزادسازی سد و شهر بوکان نقش بسزایی داشت. گردان شهدا با تلاش شهیدان بروجردی و کاظمی به سطح تیپ ارتقا یافت، تیپ ویژه شهدا، اولین تیپ رزمی کردستان بود که در اوایل سال ۱۳۶۱ هم‌زمان با یگان‌های سپاه در جبهه‌های جنوب کشور در کردستان تشکیل شد. هسته اولیه تیپ ویژه شهدا فرماندهان و ۸۰۰ نفر کادر گردان شهدا بودند... شهید کاظمی از زمان انتصاب به فرماندهی تیپ با همکاری سایر فرماندهان نظامی و انتظامی منطقه برنامه آزادسازی محور و جاده اشغال‌شده کردستان و آذربایجان غربی را تدارک دیدند (منصوری، ۱۳۷۹: ۲۰۴).

ششم شهریورماه سال ۱۳۶۱، روز اول عملیات پیرانشهر - سردشت، روستای چپانه و نمینجه پاک‌سازی شد، شهید کاظمی برای هماهنگی مرحله دوم عملیات، نزدیک غروب آفتاب عازم ترمچین قرارگاه مرکزی ارتش و سپاه می‌شود، اما خودروی آن شهید در سه‌راهی پیرانشهر - سردشت و نمینجه با کمین ضدانقلاب مواجه می‌شود، متأسفانه با شلیک تک‌تیرانداز دشمن و اصابت تیر به سر ایشان، آقای کاظمی در راه بیمارستان شهید می‌شوند، با شهادت آقای کاظمی عملیات ۱۰ روز متوقف می‌شود (منصوری، ۱۳۷۹: ۲۱۳).

نقش شهید محمدعلی گنجی‌زاده دومین فرمانده تیپ ویژه شهدا در دو مرحله عملیات پیرانشهر - سردشت: با شهادت آقای ناصر کاظمی، محمدعلی گنجی‌زاده به‌عنوان فرمانده تیپ ویژه شهدا معرفی می‌شوند. هشتم شهریورماه ۱۳۶۱ طرح عملیاتی شهید کاظمی در ۱۵ مرحله توسط قرارگاه حمزه سیدالشهدا (علیه السلام) در زمان فرماندهی ایشان تهیه شد، در این طرح عملیاتی، تیپ ویژه شهدا به‌عنوان تلاش اصلی و تیپ ۲ لشکر ۶۴ پیاده ارومیه تلاش پشتیبانی و ناحیه ۳ ژاندارمری آذربایجان غربی به‌عنوان احتیاط عملیات انتخاب شدند (طرح عملیاتی شهید کاظمی؛ لشکر ۶۴ پیاده ارومیه - هشتم شهریورماه ۱۳۶۱).

مرحله دوم عملیات: [به فرماندهی شهید گنجی‌زاده] ساعت ۵:۳۰ مورخ ۱۳۶۱/۶/۱۷ با بازگشایی چند کیلومتر دیگر از محور پیرانشهر - سردشت، ... ارتفاعات شمالی هنگ‌آباد به تصرف نیروهای خودی درآمد. مرحله سوم عملیات در تاریخ ۲۸ شهریورماه ۱۳۶۱ توسط تیپ ویژه شهدا و یک‌گردان از تیپ ۲ پیرانشهر برای تصرف تعدادی از روستاها و جنگل‌های پیردان و گلفت آغاز شد. در این عملیات محمدعلی گنجی‌زاده دومین فرمانده تیپ، در ارتفاعات جنگلی مشرف به روستای گزگز شهید شدند، شهید بروجردی پس از شهادت ایشان عملاً اداره تیپ ویژه شهدا را تا پایان عملیات عهده‌دار شدند (منصوری، ۱۳۷۹: ۷۲ و ۷۱).

نقش شهید علی قمی، سومین فرمانده تیپ ویژه شهدا در ۱۳ مرحله عملیات پیرانشهر - سردشت: پس از شهادت محمدعلی گنجی‌زاده، علی قمی با حمایت و هدایت شهید بروجردی تا پایان عملیات، سرپرستی تیپ ویژه شهدا را عهده‌دار شدند. ایشان از سوم مهرماه تا پایان آبان‌ماه، ۱۳ مرحله عملیات را با همکاری شهید کاوه و فرماندهان با اقتدار و پیروزی اداره کردند. دشمن نیروهای خود را از سراسر کردستان و آذربایجان غربی برای مقابله با نیروهای خودی فراخوانی کرد. حضور دکتر قاسملو و شیخ عزالدین، دبیرکل حزب دمکرات و کومه در منطقه از نقاط قوت دشمن و اهمیت نگهداری جاده مهم

پیرانشهر - سردشت برای گروهک‌های جدایی طلب بود. با وجود تلاش‌های مذبحخانه دشمن، جاده راهبردی پیرانشهر - سردشت، پس از ۴ سال در پایان آبان ماه ۱۳۶۱ آزادسازی شد. علاماتی می‌گوید: «فرمانده عملیات آقای شهید کاوه بودند، آنجا شهید کاوه فرمانده عملیات بودند، فرمانده عملیات در کردستان مثل فرمانده یگان بودند. آقای کاوه در اصل چند عملیات را هدایت می‌کند، تا ۲ - ۳ مرحله عملیات مانده به آخر آقای عبدی آمدند. ... [کارهای پشتیبانی با آقای قمی و عملیاتی با کاوه بود.] تا جایی که ما می‌دانیم بین شهید کاوه و شهید قمی فاصله‌ای نبود» (علاماتی، ۱۳۹۷: ۸).

شهید بروجردی: «فشاری که در رابطه با تشکیلات تیپ شهدا وارد آمد بسیار زیاد است. در رابطه با نارسایی‌ها و... برادران این تیپ در عملیات پاک‌سازی جاده پیرانشهر - سردشت در تاریخ ۶۱/۸/۲۳ بدون فرماندهی جنگیدند، ستاد نداشتند، لکن نیروها تابع احکام شرع بودند» (منصوری، ۱۳۷۹: ۸۶)

#### **نقش فرماندهان گردان‌های تیپ ویژه شهدا در عملیات پیرانشهر - سردشت**

فرمانده گردان در یگان نظامی، یکی از ستون‌های اصلی سازمان و تشکیلات تیپ محسوب می‌شد، پیروزی و شکست عملیات پس از فرمانده تیپ به توانایی و مدیریت فرماندهان صحنه نبرد و میدان مبارزه مستقیم با دشمن، یعنی فرماندهان گردان بستگی داشت، به بیان دیگر، فرمانده گردان از ویژگی شجاعت، جسارت، مدیریت و قدرت اداره ۳۰۰ نفر نیرو در شرایط سخت و بحرانی برخوردار بود. لذا گردان، کلیدی‌ترین و مخاطره‌آمیزترین مسئولیت رزمی در تیپ و لشکرها بود که هر فردی توانایی این مسئولیت خطیر را نداشت. اکثر تیپ و لشکرهای سپاه گردان‌محور بودند، معمولاً گردان‌ها مستقیماً تحت امر فرمانده یگان اداره می‌شد، در پایان جنگ لشکرها برای هدایت عملیات از تیپ‌های محوری استفاده می‌کردند (ایافت، ۱۳۷۷: ۶۲).

دکتر علاماتی: هر سه گروهان هم، تحت امر یک فرمانده گردان قرار گرفتند که فرماندهان این سه گردان، در همان جلسه معرفی شدند. بنده فرمانده گردان «حضرت رسول (صلوات الله علیه)»، رضا ملکیان فرمانده گردان «امام علی (علیه السلام)» و علی قمی فرمانده گردان «امام حسین (علیه السلام)» بودند. این چند نفر، استخوان‌بندی تیپ ویژه شهدا را تشکیل می‌دادند و از آن زمان به بعد شروع به اجرای مأموریت کردند (شکری، ۱۳۸۹: ۲۶۴ - ۲۴۳). فرماندهان گردان‌ها با تدبیر عالی فرماندهان تیپ و مطابق طرح عملیاتی پیرانشهر - سردشت موفق شدند، اهداف عملیاتی را در ۱۶ مرحله آزادسازی نمایند (منصوری، ۱۳۷۹: ۳۱۴).

### نقش ارکان تیپ ویژه شهدا در عملیات آزادسازی پیرانشهر - سردشت

عملیات آزادسازی جاده پیرانشهر - سردشت، تحت امر قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع) از دو محور انجام شد. یک محور از سمت سردشت توسط برادر جواد استکی و برادر حسن رستگارپناه هدایت می‌شد و از سمت پیرانشهر شهید محمد بروجردی و شهید آشناسان معاونین (ارکان) قرارگاه حمزه برای هدایت و طرح ریزی عملیات، کار را دنبال می‌کردند.

نقش رکن یکم: نیروی انسانی تیپ ویژه شهدا در عملیات پیرانشهر - سردشت: در رابطه با تشکیل تیپ ویژه شهدا مسئولیت اداره نیروی انسانی تیپ ویژه شهدا در این عملیات با شهید حسن صوفی از همدان بود. نیروی انسانی تیپ ویژه شهدا شامل پاسدار رسمی و مشروط، سرباز، بسیجی و پیشمرگ کرد مسلمان بودند که از نقاط مختلف کشور جذب تیپ ویژه شهدا شده بودند... رزمندگان تیپ ویژه شهدا و سایر نیروها توانستند دشمن را شکست داده و یک امر غیرممکن را با ایثار و فداکاری خود، ممکن سازند. این عملیات ضمن زخمی کردن و هلاکت بیش از ۱۰۰۰ نفر از نیروهای فریب‌خورده دشمن، سران و نیروهای حزب خائن دمکرات و کومله را به عراق متواری کرد (ایافت، ۱۳۷۷: ۸۵ و ۶۰).

دکتر علاماتی: «از اوایل سال ۶۰ این دیدگاه عملیاتی شد. دراصل با گلچین کردن نیروهایی که در پادگان شهید منتظری یا خضر زنده آن موقع در ۲۰ کیلومتری کرمانشاه - کامیاران بودند. با گلچین کردن آنها، مبنای شکل‌گیری یک گردان ویژه شهدا آغاز شد. در آنجا هر دوره‌ای که شکل گرفت، دو دوره وجود داشت، یک دوره پاسداری و یک دوره بسیج، با هر دوره آدم‌هایی که می‌آمدند دوره، می‌نشستند گلچین می‌کردند، با گلچین کردن آنها، منطقه آنها را به این گردان ویژه می‌دادند که محدوده عمل آنها منطقه ثلاث باباجانی و روانسرو این طرف‌ها، آنجاها بود.

در اواخر سال ۱۳۶۰ با تلاش‌هایی که شکل گرفت، نیروهایی از چند استان آمدند. هماهنگی صورت گرفت، نیروها را گزینش کردند، به‌عنوان سپاه غرب. به عبارتی، سپاه غرب که فرمانده آن محمد بروجردی بود. نیروها از کجا بودند، از استان کرمانشاه بودند، از همدان بودند، از تهران بودند و یک مقداری از استان مرکزی. اولین نیروهایی که هسته اولیه، آمده بودند، اینها گزینش شدند، حدود ۶۰۰ نفر شدند. ۶۰۰ نفر را فرستادند در پادگان امام حسین(ع) تهران دوره بینند که در اصل دوره آنها معروف شد به دوره آموزشی غرب کشور. در اصل حدوداً اردیبهشت‌ماه اینها دوره و مراحل آموزش پایانی را گذراندند. قرار شده بود نیروها به ۳ گردان تقسیم شوند. گردان به تیپ تبدیل شد و ۶۰۰

پاسدار آموزشی به تیپ ملحق شدند. بچه‌ها در اصل دسته‌بندی شدند، ما این بچه‌ها را می‌شناختیم، هر کدام را گذاشتیم مسئول یک گروهان و یک دسته. عملیات اینچنین دنبال شد تا بتوانیم تیپ را شکل دهی کنیم» (علاماتی، ۱۳۹۷: ۲ و ۱).

نقش رکن دوم: اطلاعات تیپ ویژه شهدا در عملیات پیرانشهر - سردشت: ... اقدام بعدی شناسایی منطقه بود. واحد اطلاعات سپاه پیرانشهر مقدار زیادی اطلاعات از رکن ۲ ارتش و کردهای مسلمانی که در منطقه بودند، به دست آورد، البته با رعایت حفاظت اطلاعات» (ایافت، ۱۳۷۷: ۷۶).

نظام پور: ساعت هفت صبح از مقر دخانیات زدیم بیرون. محمود کنار من نشسته بود و مهدی اصغرزاده پشت سرم. نفر چهارم ما هم مجید ایافت بود. ... نیم ساعت طول کشید تا از جاده‌های خاکی و پیچ در پیچ، خودمان را به ارتفاعات تمرچین رساندیم. این نقطه، خط مقدم ما با نیروهای عراقی بود. ... ما وظیفه داشتیم طوری وانمود کنیم که قصد عملیات علیه مواضع عراق را داریم تا عملیاتمان لو نرود و احدی از آن با خبر نشود. ... پشت سرما هم پیرانشهر و تمام آبادی‌های اطراف آن در معرض دید بودند. روستای بادین آباد هم در فاصله ۲۰ کیلومتری شهر و در تصرف دشمن در مقابل دیدگان ما قرار داشت. تمام جاده‌ها و عوارض طبیعی این روستاها از نقطه‌ای که ما ایستاده بودیم، قابل شناسایی بودند. شک نداشتم که ذهن فعال و بی‌نقص کاوه درحال پردازش و حل‌جایی این عوارض است (نظام‌پور، ۱۳۹۶: ۵۶۳ - ۵۶۴).

علاماتی: جلسه [مشترک با ارتش] به این شکل یک قسم روی طراحی‌ها و یک قسم روی شناسایی منطقه بود. ما اول، جاده پیرانشهر - سردشت را نمی‌دانستیم (شناختیم)، روی ارتفاع تمرچین رفتیم. همه بچه‌ها، فرماندهان گردان‌ها و فرماندهان گروهان‌ها اینجا را شناسایی کردند و روستاها را می‌دیدند، دراصل، بیشترین چیزی که ما داشتیم، یک دوربین کوچک بود، چیز دیگری نداشتم، دراصل، ما یک محدوده را می‌دیدیم. این یکی از مراحل [شناسایی] بود، یکی از مسائل دراصل، همراه‌سازی عناصر بلدچی بود که بتوانند با منطقه آشنا شوند و کمک کنند به فرماندهانی که اجرای عملیات می‌کنند (علاماتی، ۱۳۹۷: ۵ - ۴).

علاماتی: نقش رکن سوم: عملیات تیپ ویژه شهدا در عملیات پیرانشهر - سردشت: جاده پیرانشهر - سردشت، هفت، هشت کیلومترش توسط ارتش و سپاه آزاد شده بود، ما رفتیم آنجا ما با منطقه آشنایی نداشتم، اولاً [باید] عملیاتی که باید انجام می‌گرفت، طراحی شود که عنصر اصلی آن شهید ناصر کاظمی بود. در جلسه‌ای که من حضور داشتم آقای ظهوری فرمانده تیپ ۲، آقای سنجابی معاون تیپ،

شهید گنجی‌زاده، شهید کاوه و بنده بودیم. در آن جلسه صحبت شد ما چه‌جوری اینجا را باز کنیم، ارتش صحبت از این می‌کرد اینجا خیلی سخت است، ضدانقلاب زیاد است، خیلی گسترش دارند، به مرز متصلند، عراق پشتیبانی می‌کند، منطقه پوشش‌دار و جنگلی است، خیلی محطاطانه نسبت به این موضوع نگاه می‌کرد، ما با یک طرح خیلی خوب، امکانات و پشتیبانی لازم این کار را بکنیم. یک‌بار شهید کاظمی گفت: «ما آمدیم هماهنگی کنیم، اجرای عملیات آفندی و گرفتن مناطق با ما (تیپ ویژه)، استقرار و مستقرشدن و پشتیبانی توپخانه با شما (ارتش)». آقای ظهوری می‌گفت: «من رفتم انگلستان، ظفار بودم» من یادم است، آقای کاظمی گفت: «خواهش می‌کنم شما به‌موقع مستقر شوید و تحویل بگیرید ما بتوانیم گام جلوتر را برداریم.» (علاماتی، ۱۳۹۷: ۵-۴).

یافت: مسئولیت دو رکن مهم اطلاعات و عملیات تیپ در عملیات راهبردی پیرانشهر - سردشت با شهید بزرگوار محمود کاوه بود، ...طراحی عملیات در طرح شهید کاظمی به‌قدری دقیق و با شناخت لازم از دشمن بود که توانست در طول ۳ ماه، منطقه وسیعی از میهن اسلامی را در منطقه بحرانی کردستان از اشغال گروهک‌های معاند با تمام حمایت‌هایی که عراق و دشمنان خارجی از آنها داشتند، خارج کند (یافت، ۱۳۷۷: ۹۰-۸۵-۷۷).

نقش رکن چهارم: لجستیک تیپ ویژه شهدا در عملیات پیرانشهر - سردشت: نیروهای پشتیبانی خودرو و تجهیزات لازم مانند پوشاک، سلاح انفرادی مانند کلاشینکف، آرپی‌جی ۷، تیربار و سلاح‌های جمعی مانند، خمپاره ۸۱، تفنگ ۱۰۶م، مینی کاتیوشا، فشنگ و گلوله‌های هریک از سلاح‌ها را در طول ۳ ماه عملیات پیرانشهر - سردشت را در شرایط سخت و بحرانی تأمین می‌کردند (یافت، ۱۳۷۷: ۶۵-۶۰).

علاماتی: در اواخر اردیبهشت ماه و اول خردادماه سال ۶۱، اول آنها آمدند، گوشه پادگان لشکر ۸۱ زرهی، پادگانی که می‌گفتند کربلا، اول مستقر بودند، بعد این نیروها که آمدند پادگان اسلام‌آباد غرب در آنجا قرار گرفتند. ...دراصل، توی همین پادگان اسلام‌آباد غرب تجهیز شدند، سازماندهی شدند... این یگان تجهیز شد، عراق یک تکه‌هایی را مجبور شد، خودش عقب‌نشینی بکند، یگان ما رفت سرپل‌ذهاب. ...این یگان همین ۳۰ تیرماه بود که دراصل تصمیم‌گیری شد که بیاد توی کردستان اجرای عملیات کند که تمام این یگان بلند شد آمد در سقز. سقز جایی دارد به نام دخانیات [توی اداره دخانیات بود]، آنجا فضای استقراری یگان بود که خیلی موقت بود... یادم است چون حداقل از اسلام‌آباد تا رفتیم به پادگان ابودر و از پادگان ابودر برگشتیم ۱۰ - ۲۰ روز طول کشید، از اینجا به بعد



تپ ویژه شهدا شکل گرفت. ... دراصل، عملیات ساده انجام شد در سقر، عملیات ساده، بیشتر حکم مانور و آشنایی داشت، توجه کردن و سازماندهی کردن بچه‌ها بود. بچه‌ها همدیگر را بشناسند، سازماندهی شوند، وسایل، ابزار و تجهیزات بگیرند.

علاماتی: ... تقریباً ما از اول‌های برج پنج مستقر شدیم جلدیان، چرا اول رفتیم جلدیان؟ عملیات پیرانشهر - سردشت از اوایل برج پنج می‌باشد زیرا ما رفتیم اول آنجا با منطقه آشنا شدیم، چه شرایطی دارد. ... در حدود نزدیک به شاید دو هفته مانده به عملیات، تو این محور طول کشید، یک مقداری آماده‌سازی و هماهنگی شد، ما در همین زمان از جلدیان استقرار را انتقال دادیم به پادگان پیرانشهر، آمدیم تپ ۲ لشکر ۶۴ ارومیه. چند آسایشگاه گرفتیم تا نزدیکتر به منطقه عملیات باشیم» (علاماتی، ۱۳۹۷: ۳-۲).

یافت: نیروهای پشتیبانی، تغذیه نیروهای رزمی تپ را با شرایط دشوار منطقه عملیات، در مدت سه ماه برعهده داشتند، از شروع عملیات، پخت غذا در پادگان جلدیان تپ دوم لشکر ۶۴ پیاده ارومیه در پیرانشهر انجام می‌شد و در سطح جبهه توزیع می‌شد. حمل و نقل نیروهای تپ به منطقه عملیات یکی از مشکلات عمده عملیات پیرانشهر - سردشت بود. تردد در محورها و جاده‌ها باتوجه به موانع طبیعی و مصنوعی مانند رودخانه گلاس، جاده‌ها، ارتفاعات و جنگل آلواتان یکی دیگر از مشکلات مهندسی رزمی عملیات محسوب می‌شد. احداث پل روی رودخانه‌ها، برف‌روبی، مرمت جاده‌ها، برق‌رسانی، آب‌رسانی، احداث حمام صحرائی، به‌روزرنگه‌داشتن تجهیزات و امکانات از مأموریت‌های مهم دیگر مهندسی رزمی و لجستیک، قبل و حین عملیات بود (یافت، ۱۳۷۷: ۹۱).

تعامل و ارتباط تپ ویژه شهدا با مردم در عملیات آزادسازی پیرانشهر - سردشت در سال ۱۳۶۱

یکی از راه‌های برون‌رفت مسئولین نظام از بحران کردستان، ایجاد امنیت پایدار توسط مردم بومی منطقه بود، ایجاد سازمان پیشمرگان کرد مسلمان [ایل منگور]، تشکیل سازمان بسیج عشائری و مردمی، تسلیح مردم بومی بود تا این امر محقق شود، با توسعه این سازمان‌ها، حضور نیروهای رزمی مانند تپ ویژه شهدا در کردستان و آذربایجان غربی کاهش یافت و از آنها در جبهه‌های جنوب و غرب کشور استفاده شد. امنیت شهرها به سپاه، بسیج و گردان‌های جندالله شهرها و شهربانی، امنیت مرزها به ارتش جمهوری اسلامی ایران و امنیت روستاها و جاده‌های بین شهری و مرزها به ژاندارمری واگذار شد. «فلان روستایی که حالا چهار، پنج تا از وابستگان این طائفه رفتند و مسلح شدند، الآن در پناه

جمهوری اسلامی خیلی از مشکلاتشان هم حل شده و خدمت هم می‌کنند، آنها می‌رفتند می‌گفتند: این پاسدارها، بچه‌های سپاه، بچه‌های تیپ ویژه شهدا، نیروی [مسلح] جمهوری اسلامی ایران، این‌طور که ضدانقلاب وانمود کرده به شما نیستند.» «روزهای اول که ما عملیات می‌کردیم ضدانقلاب و مردم هر دو فرار می‌کردند، یعنی ضدانقلاب می‌فهمید که تیپ ویژه شهدا آمده، اول مردم فرار می‌کردند، بعد ضدانقلاب که می‌دید توان مقابله با ما را ندارد، فرار می‌کرد. بعد از عملیات پیرانشهر - سردشت به‌صورت مستمر در منطقه ادامه داشت. چند مرحله‌اش که گذشت، ضدانقلاب فرار می‌کرد. مردم پرچم‌های سفید دستشان می‌گرفتند و آرام‌آرام به نیروهای تیپ ویژه شهدا نزدیک می‌شدند. در مراحل بعدی مردم به استقبال ما می‌آمدند، ما هنوز عملیات نکرده بودیم. می‌دیدیم مردم دسته‌دسته می‌آمدند: آقا بیاید این روستاهای ما را هم پاک‌سازی کنید» (یافت، ۱۳۷۷: ۱۰۹-۱۰۸).

تعامل تیپ ویژه شهدا با یگان‌های شرکت‌کننده در عملیات پیرانشهر - سردشت:

نتایج حاصله از تحقیقات اینجانب حاکی است، تیپ ویژه شهدا با تمامی نیروهای نظامی و انتظامی منطقه ارتباط مستمر داشته، تعامل فرمانده تیپ ویژه شهدا با فرماندهان تیپ ۲ لشکر ۶۴ پیاده ارومیه، تیم هوانیروز کرمانشاه از ارتش و ناحیه ۳ ژاندارمری آذربایجان غربی در منطقه بسیار صمیمی بود که یکی از عوامل مهم پیروزی تیپ ویژه شهدا در عملیات بوده است.

یگان‌های رزمی شرکت‌کننده در عملیات پیرانشهر - سردشت: لشکر ۶۴ پیاده ارومیه، لشکر ۲۸ پیاده سنندج، تیپ نیروی مخصوص نوه‌د، تیم پایگاه دوم شکاری تبریز، تیم هوانیروز کرمانشاه از ارتش؛ تیپ ویژه شهدا، تیپ سپاه سردشت، تیپ گردان‌های جندالله (سردشت، بانه، سنندج و...)، پیشمرگان کرد مسلمان و عشایر منگور از سپاه، ناحیه ۳ ژاندارمری آذربایجان غربی، کما ۱۱ (بارزانی)، نیروهای شرکت‌کننده در عملیات پیرانشهر - سردشت بودند (طرح عملیاتی شهید کاظمی، قرارگاه لشکر ۶۴ پیاده، رکن ۳؛ هشتم شهریور ۶۱).

قرارگاه عملیاتی حر: قرارگاه مشترک حر در روستای بزیه سردشت تشکیل شد (احمدی مقدم، پیام‌ها و اسناد سپاه، ۱۳۶۱). جواد استکی فرمانده و رستگارپناه، جانشین بودند (مصاحبه سردار رستگارپناه، ۱۳۹۴). سرهنگ کروندی از ارتش فرماندهی لشکر ۲۸ کردستان و نیروهای ارتش را برعهده داشت، یک گردان قدس و ۳ گردان عملیاتی از سپاه جمعاً ۴ گردان که هر گروهان ۷۰-۸۰ نفر بودند (مصاحبه سردار رستگارپناه).

یگان‌های شناخته‌شده دشمن: حزب دمکرات با استعداد ۲ هیز (آواره و برگیری) که حدود ۲۵۰ نفر

## بازکنکاشی نو در مورد نقش تپ ویژه شهدای سپاه در عملیات آزادسازی منطقه پیرانشهر - سردشت در سال ۱۳۶۱

در شهرستان پیرانشهر بودند. (طرح عملیاتی شهید کاظمی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، شهریور ۶۱)؛ چته‌های کوموله به تعداد ۱۰۰ نفر و هیز معینی در منطقه سردشت به همراه نیروهای معارض بارزانی حدود (۵۰۰ نفر) و سه گردان ضدانقلاب به استعداد ۸۰۰ نفر نیروی کمکی از مناطق دیگر جهت مقابله با نیروهای اسلام با انواع تجهیزات سبک و نیمه‌سنگین در سردشت مستقر بودند (طرح عملیاتی شهید کاظمی، ۱۳۶۱).

### اهمیت و ویژگی منطقه عملیات پیرانشهر - سردشت

پیرانشهر را دو جاده به سردشت متصل می‌کرد، یکی جاده طولانی و پرپیچ‌وخم قدیمی که در سمت چپ رودخانه گلاس (زاب صغیر) قرار داشت و دیگری جاده جدید که حدود ۹۵ کیلومتر طول داشت و ۴۵ کیلومتر از آن در پیرانشهر و مابقی در سردشت بود. جاده پیرانشهر - سردشت، از مناطق کوهستانی و پوشیده از جنگل می‌گذشت و آذربایجان غربی را به کردستان مرتبط می‌کرد (مصاحبه احمدی‌مقدم، ۱۳۸۱).

جاده، بین سردشت، پیرانشهر و مهاباد قرار داشت، مثلی که از نظر جغرافیایی منطقه‌ای پیچیده بود (شکری، ۱۳۸۹: ۱۱۶). در روزهای بحران به مثلث قدرت ضدانقلاب معروف بود، مثلی که دقیقاً یک ضلع آن به موازات مرز، منطبق با مرز عراق بود (مصاحبه سردار ایافت، ۱۳۷۸). نیروهای تجزیه طلب دمکرات، کومله و منافقین اصلی‌ترین مقرهای خود را در روستاهای اطراف جاده مستقر کرده بودند (صادقی، ۱۳۹۴: ۹۰) که جاده اصلی تدارکاتی آنها از همین مسیرها تشکیل می‌شد (انصاری، روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۱).

رودخانه گلاس در شرق، جاده را تا سردشت و جنوب را به سمت بانه زهکشی می‌کرد. دو ارتفاع بزرگ حوالی رودخانه با ارتفاعی بالای ۳۰۰۰ متر وجود داشت که مقر اصلی کومله، دمکرات و سایر عناصر ضدانقلاب بود (شکری، ۱۳۸۹: ۱۱۶).

تقریباً ۶۵ کیلومتر از نواحی که جاده از آن می‌گذرد، کوهستانی و جنگلی و دارای امکانات سوختی و غذایی است. کوه‌های سربه‌فلک کشیده‌ای دو طرف جاده را احاطه کرده‌اند. کوه‌ها در سمت راست جاده کوه‌های هم‌مرز عراقند که به راحتی می‌شود از طریق آنها با دوسه ساعت راهپیمایی به خاک عراق رفت. در دامنه کوه‌های سمت چپ، جاده قدیمی قرار دارد (مصاحبه سردار ایافت، ۱۳۷۸). حرکات متکی به جاده و دید و تیر ضعیف و اختفا و پوشش در آن مناسب است (طرح عملیاتی شهید کاظمی، خلاصه اطلاعاتی، ۱۳۶۱). به این معنا که امکان می‌دهد، چند نفر بتوانند با موضع‌گیری

در آن، به راحتی راه چندصد نفر را بگیرند، به همین علت بود که ضدانقلاب با چنگ و دندان از آن حراست می‌کرد (انصاری، روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۱). سرتاسر جاده، کوه‌ها و دره‌ها را سنگربندی کرده و خمپاره‌اندازها، توپخانه و سلاح‌های مختلف را در آنها مستقر کرده بود (راهیان نور، Ravayat).

جاده از سه راهی سردشت تا پیرانشهر، دشت ندارد و از نلاس به بعد بسیار پیچیده می‌شود (مصاحبه احمدی مقدم، ۱۳۸۱). اما از کیلومتر ۶۵ به بعد منطقه دشت است. حرکت خارج از جاده در مواقع خشکی ممکن است. در طول محور از پسوه تا سردشت ۱۵۲ روستا (طرح عملیاتی ارتش، ۱۳۶۱) و هفت پل مهم و عمده وجود دارد (طرح عملیاتی شهید کاظمی، خلاصه اطلاعاتی، ۱۳۶۱). حساس‌ترین بخش جاده، جنگل آلوآتان و حساس‌ترین قسمت آلوآتان هم قله‌های مرتفع آن است. بارها ضدانقلاب با دعوت از خبرنگاران خارجی در ارتفاعات آلوآتان به مانور روانی علیه نیروهای انقلاب دست زده بود. قاسملو بارها آلوآتان را قلعه افسانه‌ای و نفوذ ناپذیر حزب دمکرات خوانده بود. این محور اهمیت بسیاری برای ضدانقلاب داشت، آنها گفته بودند، اگر جمهوری اسلامی جاده پیرانشهر - سردشت را از ما بگیرد، ما زن‌هایمان را طلاق می‌دهیم (مصاحبه محمدرضا طباطبایی، ۱۳۶۱). مقرهای فرماندهی شماره یک حزب دمکرات، فرماندهی کل کومله، دفاتر سیاسی و کمیته‌های مرکزی تصمیم‌گیری آنها در این محور بود، حتی جلسات و کنگره‌های سالیانه ضدانقلاب همین جا برگزار می‌شد (مصاحبه سردار ایافت، ۱۳۶۱).

مرکزیت رادیو کردستان هم که قسمت عمده‌ای از تغذیه فکری ضدانقلاب را در منطقه تأمین می‌کرد، در این محور بود (مصاحبه انصاری، ۱۳۶۱). در طول محور، بیمارستان‌هایی بود که دکترهایش به صورت شیفتهی از فرانسه می‌آمدند. یکی از مراکز درمانی در شیواشان و دیگری در میرآباد بود. زندان‌های معروف حزب مثل زندان دوله‌تو و آلوآتان نیز در این محور بود (مصاحبه سردار ایافت، ۱۳۶۱). تعداد ۳۶۰ نفر زندانی در آلوآتان و ۴۴۰ نفر زندانی در آبادی‌های داوودآباد، مزرعه و کانی‌زرد از نیروهای سپاهی، ارتشی، جهادی و بسیجی وجود داشت (خلاصه اطلاعاتی شماره ۱، تیپ ۱ پیرانشهر، لشکر ۶۴ پیاده ارومیه، هشتم شهریورماه ۶۱).

شانزده مرحله عملیات آزادسازی محور راهبردی پیرانشهر - سردشت؛ از ششم شهریورماه سال ۱۳۶۱ تا اول آذرماه ۱۳۶۱

همزمان با پاک‌سازی شهرهای مناطق غرب و شمال غرب کشور، پاک‌سازی و آزادسازی محورهای مواصلاتی از اواخر سال ۱۳۵۸ به تدریج شروع شد و جاده‌های مهمی مانند کامیاران -

## بازکنکاشی نو در مورد نقش تیپ ویژه شهدای سپاه در عملیات آزادسازی منطقه پیرانشهر - سردشت در سال ۱۳۶۱

سنندج [سردشت - پیرانشهر] که خط اصلی نقل و انتقال زمینی بین شهرهای مهم بود توسط رزمندگان اسلام آزاد شد (ایزدی و همکاران، ۱۳۸۶، ج ۳: ۴۷).

«عملیات پیرانشهر - سردشت از اوایل برج پنج بود، ما رفتیم اول با منطقه آشنا شدیم، چه شرایطی دارد. در محور مهاباد به پسوه یکی دو تا عملیات انجام شد، یک عملیات از پیرانشهر به پسوه روستای اشوزنگ انجام شد، یک عملیاتی بود که ما هم برای آمادگی خودمان و هم شناخت دشمن و هم اینکه ممکن بود به هر حال ما [به دشمن] بگیم جهت [عملیات] این نیست، ... جاده پیرانشهر - سردشت، [حدود] هفت، هشت کیلومترش توسط ارتش و سپاه آزاد شده بود، ما رفتیم آنجا. ما با منطقه آشنایی نداشتیم» (علاماتی، ۱۳۷۹: ۵).

۲۲ مرحله عملیات در منطقه انجام گرفت که ۱۶ مرحله از سمت سردشت به پیرانشهر توسط تیپ ویژه شهدا و تیپ ۲ لشکر ۶۴ پیاده ارومیه و ۶ مرحله از سمت سردشت به پیرانشهر به وسیله تیپ سپاه سردشت و عناصری از لشکر ۲۸ پیاده سنندج به مرحله اجرا درآمد.

مرحله اول عملیات: پاک‌سازی جاده از چپانه تا بادین‌آباد، جمعه پنجم شهریورماه ۱۳۶۱: «مرحله اول عملیات با نام شهیدان رجایی و باهنر با به‌کارگیری سه گردان پیاده و یک گردان موتوریزه در پنجم شهریورماه ۱۳۶۱ از پیرانشهر آغاز شد. گردان علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) به فرماندهی علی قمی و گردان امام حسین (علیه السلام) به فرماندهی رضا ملکیان برای تأمین ارتفاعات بسیار بلند و دامنه‌دار چپانه تا روستای بادین‌آباد منگور حرکت کردند، گردان حضرت رسول (صلوات الله علیه) به فرماندهی غلامرضا علاماتی و گردان موتوریزه ذوالفقار با هدایت محمود کاوه در پایگاه روستای قلعه موت‌آباد قبل از روستای چپانه مستقر شده بودند (شکری، ۱۳۸۹: ۱۱۶).

ضدانقلاب به‌خاطر اینکه سازمان رزم ما را به هم بریزند، نیمه‌شب به پایگاه فوق حمله کردند، هوا به روشنی می‌رفت [دشمن] منطقه را ترک کردند. مقرر فرماندهی که هدایت کل عملیات را برعهده داشت، قرارگاه تاکتیکی ارتش در روستای تمرچین بود. روستای نمینجه با یک عملیات گازانبری در دو محور محاصره شد، نیروها وارد روستا شدند، ضدانقلاب کشته‌ها و زخمی‌هایش را برده بود. نمینجه را گرفته بودیم، درگیری همچنان ادامه داشت و ادامه مسیر عملیات به طرف روستای بادین‌آباد منگور بود (شکری، ۱۳۸۹: ۱۱۶).

غلامرضا علاماتی: «اول فکر می‌کردیم شهید قمی می‌رود، ارتفاع را می‌گیرد، بعد دیدیم قمی ارتفاع را نگرفته، بارزانی‌ها او را بردندش آن بالا بالاها. اینها باید می‌آمدند نزدیکتر، رفته بودند بالای

روستا، سه کیلومتر با ارتفاع فاصله داشت، تیر هم از بالا نمی‌رسید. شهید کاظمی گفت: «خودت برو ارتفاع را بگیر»، من برای تصرف ارتفاع حرکت کردم. از آن تکه‌ای که من رفتم بالای ارتفاع، شهید ملکیان مقداری آن طرف‌تر آمده بود بالای ارتفاع، از روی تک‌درخت ملکیان را زده بودند و شهید شده بود. من بعداً متوجه شدم ملکیان شهید شده است. آخرین مکالمه‌ام با ناصر کاظمی تقریباً نیم ساعت قبل از شهادت ایشان بود، ناصر به من گفت: علی رو ول کن خودت ارتفاع را بگیر، ما درگیر شدیم و ارتفاع را گرفتیم، وقتی آمدیم در مکالمه بی‌سیم هی گفتم، ناصر، ناصر - رضا! ناصر جواب نداد، گنجی‌زاده آمد رو خط، گفت: «ناصر پرواز کرد». فرداش عملیات تکمیل شد، شهادتی که در آنجا مانده بود، ضدانقلاب بعضی را مثله کردند تا ما را بترسانند. ... عملیات بادین‌آباد یکی از درگیری‌های سرنوشت‌ساز و یکی از محک‌های اولیه سنگینی است که تیپ ویژه دارد» (مصاحبه سردار علاماتی، ۱۳۹۷).

اولین شهید از جمع فرماندهان عملیات پیرانشهر - سردشت، محمدامین احمدی فرمانده پیشمرگان کرد مسلمان منگور بود. شهید دوم تیپ صفت‌الله مقدم فرمانده مخابرات بود که از کمر به پایین غرق در خون بود و اصلاً معلوم نبود محل اصلی زخمش کجاست (مصاحبه آزادمنش، ۱۳۶۱).

رضا ملکیان [اولین فرمانده گردان تیپ] روی دامنه ارتفاعات شهید شد، غروب ناصر کاظمی به طرف پیرانشهر حرکت کرد، دشمن با یک تیر پیشانی شهید را هدف گرفت (مصاحبه سردار شاهوردیان، ۱۳۸۱). کاظمی زخمی شده بود، او را به بیمارستان پیرانشهر رسانده بودند، اما به شهادت رسیده بود (مصاحبه سردار ایافت، ۱۳۷۸).

طرح عملیاتی شهید ناصر کاظمی: هشتم شهریورماه این طرح برای اجرای عملیات از دو سمت پیرانشهر و سردشت تهیه شد، مطابق این طرح عملیاتی، تیپ ویژه شهدا و لشکر ۶۴ پیاده ارومیه بازگشایی محور را در سه مرحله اجرا می‌کردند:

مرحله اول: پاک‌سازی از چپانه تا هنگ‌آباد به وسیله تیپ ویژه شهدا و استقرار گردان ۱۹۸ پیاده تیپ ۱ سلماس بود، مرحله دوم: از هنگ‌آباد به طرف سردشت به وسیله تیپ ویژه شهدا و گردان ۱۰۹ پیاده تیپ ۲ تا نقطه الحاق نبی‌آباد بود و مرحله سوم: پاک‌سازی با تیپ ویژه شهدا و تحکیم با تیپ ۱ و تیپ ۲ لشکر ۶۴ پیاده ارومیه بود.

مرحله دوم عملیات: پاک‌سازی جاده از لاین تا هنگ‌آباد - دوشنبه پانزدهم شهریورماه ۱۳۶۱  
شامگاه دوشنبه ۱۵ شهریورماه نیروها برای اولین بار بزرگترین راهپیمایی خود را در کردستان به

طول ۳۵ تا ۴۰ کیلومتر برای انجام مرحله دوم عملیات آغاز کردند. نیروها به ۳ دسته تقسیم شدند: دسته اول: نیروها با اتومبیل چراغ خاموش از پادگان پیرانشهر به چپانه منتقل شدند، از آنجا پیاده روی خود را برای رسیدن به هنگ آباد از سمت راست رودخانه آغاز کردند. دسته دوم: نیروها پیشروی شبانه خود را از محل کارخانه قند پیرانشهر و آن سوی رودخانه به طرف هنگ آباد شروع کردند. دسته سوم: نیروهای قمی روی ارتفاعات موردنظر استقرار پیدا کردند. نیروهای عباس ولی نژاد معاون گردان حضرت رسول (صلوات الله علیه) هم روی ارتفاعات برده زرد مستقر شدند. نیروهای دشمن با تمام توان از سمت کارخانه قند پدافند کرده بودند و فکر نمی کردند ما پشت سرشان ظاهر شویم، ما هدفمان دور زدن دشمن بود تا مناطق آرام و عقبه اش را ناامن کنیم (مصاحبه بهشتی خواه، ۱۳۷۸). در ادامه پیشروی نیروها در محور، ساعت ۵:۳۰ بامداد روز چهارشنبه ۱۷ شهریورماه، روستاهای ریگ آباد، گرده رحمت، گرده گوران و کانی اشکوت تحت کنترل قرار گرفت، نیروها در لاین به مختصات (۵۸ - ۱۸) (گزارش نوبه ای ارتش، ۱۳۶۱) و روستاهای ریگ آباد در مختصات (۵۵ - ۲۰) و گرده رحمت در مختصات (۴۷ - ۱۸) (۴۷ - ۱۸) گرده کوران در مختصات (۵۹ - ۱۹) کانی اشکوت در مختصات (۴۷ - ۲۰) و روستای قره خضر (گزارش نوبه ای ارتش، ۱۳۶۱) پایگاه زدند. صبح روز سه شنبه ۱۶ شهریورماه (مصاحبه محصولی، ۱۳۶۱) ستون موتوریزه تیب (مصاحبه بهشتی خواه، ۱۳۷۸) با توجه به اینکه نیروهای پیاده شب قبل ارتفاعات را پوشش داده بودند، در جاده شروع به حرکت کرد (مصاحبه بهشتی خواه، ۱۳۷۸). هنگ آباد یکی از مقرهای اساسی و مهم ضدانقلاب بود. در آنجا ضدانقلاب امکانات و تجهیزات بسیار زیادی داشت و مقرهای متعدد استقراری همه گروهک ها به صورت مشترک در بخش هنگ آباد بود (مصاحبه سردار ایافت، ۱۳۷۸). صبح روز پنجشنبه ۱۸ شهریورماه هنگ آباد کاملاً پاکسازی شد و نیروهای رزمنده در آن استقرار یافتند (گزارش عملیاتی و اطلاعاتی قرارگاه حمزه، ۱۳۶۱).

حسن میرزایی: من از پشت بی سیم شنود می کردم، ضدانقلاب می گفت به هنگ آباد و ارتفاعات آنجا رسیدند ما الان در محاصره هستیم و منتظریم شب بشود فرار کنیم (مصاحبه میرزایی، ۱۳۷۸). صبح روز پنجشنبه ۱۸ شهریورماه هنگ آباد کاملاً پاکسازی شد و نیروهای رزمنده ما در آنجا استقرار یافتند (گزارش عملیاتی و اطلاعاتی قرارگاه حمزه، ۱۳۶۱).

مرحله سوم: پاکسازی جاده از بادین آباد تا سه راه ترکش، جمعه ۱۹ شهریور ماه ۱۳۶۱  
سحرگاه روز دوشنبه ۲۲ شهریورماه، نیروها بار دیگر جهت از بین بردن دشمن وارد عمل شدند و آبادی تیرکش و پایگاه های گلغت را آزاد کردند و به تحکیم پایگاه در این مناطق پرداختند. در این

عملیات تلفات و ضایعات بسیاری به ضدانقلابیون وارد شد و از نیروهای خودی ۶ نفر شهید و ۲۴ نفر مجروح شدند (گزارش نوبه‌ای ارتش، ۱۳۶۱). تشکیلات هیز آواره در انتهای روستا در ساختمان پاسگاه سابق بود، سرپرستی این تشکیلات را حسین مدنی، رحمان صوفی‌زاده و مراد احمدی برعهده داشتند (گزارش اطلاعاتی طرح عملیاتی شهید کاظمی، ۱۳۶۱).

مرحله چهارم: پاک‌سازی جاده از سه راه ترکش تا گلغت، یکشنبه ۲۸ شهریورماه ۱۳۶۱  
سحرگاه روز دوشنبه ۲۹ شهریورماه، دومین مرحله از طرح عملیاتی شهید کاظمی با توپخانه یگان‌های تیپ (گزارش نوبه‌ای عملیاتی و اطلاعاتی قرارگاه حمزه، ۱۳۶۱) سه‌راهی ترکش شروع شد (مصاحبه سردار ایافت، ۱۳۶۱). البته طی تاکتیکی که در مراحل قبلی نیز اجرا شده بود، نیروهای پیاده شامگاه روز یکشنبه ۲۸ شهریورماه پیشروی خود را آغاز کرده و در اهداف موردنظر که از ارتفاعات مسلط به جاده و روستاهای مسیر بود، مستقر شده بودند.

مطابق اخبار و اطلاعات به‌دست آمده در این زمان، ۸۰۰ نفر نیروی ضدانقلاب به فرماندهی یک سرهنگ فراری، ابتدای جنگل در جاده موضع گرفته بودند، جلال طالبانی نیز با ۱۵۰۰ نفر نیرو برای کمک به ضدانقلاب به جنگل آمده بود، آنها ابتدای جنگل را مین‌گذاری کرده و در اطراف جاده، مواضع استحکاماتی را در دست گرفته بودند (گزارش عملیاتی قرارگاه حمزه، ۱۳۶۱). نیروها با ۴ کیلومتر پیشروی توانستند گلغت را محاصره و پاک‌سازی کنند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۱). گروهان ۱ پیاده [ارتش] به‌عنوان احتیاط در پایگاه کوپر به مختصات (۴۳ - ۲۲) مستقر شدند (گزارش اطلاعاتی قرارگاه حمزه، ۱۳۶۱). در این عملیات ساعت ۱۲:۳۰ مورخ ۶۱/۶/۲۸ محمدعلی گنجی‌زاده فرمانده دلاور تیپ ویژه شهدا در ارتفاعات گزکز شهید شد (گزارش روزانه تعاون تیپ ویژه شهدا؛ ۱۳۶۱/۶/۱۲۸).

مرحله پنجم: پاک‌سازی جاده از هنگ‌آباد به سمت بازرگان، پنجشنبه ۱ مهرماه ۱۳۶۱  
روز جمعه دوم مهرماه ۱۳۶۱ (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۱: ۲)، پس از پیشروی شبانه نیروهای پیاده، رزمندگان اسلام اعم از تیپ ویژه شهدا، ارتش و یگان‌های شهادت و جندالله مرحله پنجم را آغاز کردند. شنبه سوم مهرماه ۶۱ در دومین روز عملیات، آبادی بازرگان که یکی از مقرهای حزب منحل دموکرات بود، پاک‌سازی شد. در این مرحله از نیروهای خودی یک نفر از یگان جندالله شهید و ۷ نفر مجروح شدند (گزارش نوبه‌ای عملیاتی و اطلاعاتی قرارگاه حمزه، ۱۳۶۱). تعدادی از ضدانقلابیون هم دستگیر شدند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۱). ۱۵ روستا و ۴ ارتفاع مهم و راهبردی منطقه آزاد شد (روزنامه



اطلاعات، ۱۳۶۱).

مرحله ششم: پاک‌سازی جاده از گلغت به چاکو - دوشنبه ۵ مهرماه ۱۳۶۱

روز سه‌شنبه ۶ مهرماه ساعت ۲۰ (گزارش نوبه‌ای عملیاتی قرارگاه حمزه، ۱۳۶۱)، نیروهای پیاده از پایگاه گلغت حرکت کردند، کاوه و بروجردی برای هدایت نیروها در پایگاه مستقر شده بودند. صبح روز چهارشنبه ۷ مهرماه ستون موتوریزه به فرماندهی ایافت از کوپر به طرف گلغت حرکت کرد. قرار بود، ستون از گلغت با هدایت کاوه به طرف جنگل حرکت کند که بنابر صلاحدید بروجردی، کاوه در پایگاه ماند و ستون به فرماندهی ایافت، به راه خود ادامه داد (مصاحبه سردار صدوقی، ۱۳۷۸). در درگیری گلغت، عده‌ای از افراد جلال طالبانی شرکت داشتند. ۳ نفر از آنها کشته و ۵ نفر دیگر زخمی شدند (همان، مصاحبه ایافت، ۱۳۷۸). فاصله ۱۵ کیلومتری در جنگل بدون تلفات پاک‌سازی شد.

مرحله هفتم: پاک‌سازی جاده از چاکو تا بیلوکه (سه راهی آلواتان)، چهارشنبه ۷ مهرماه ۱۳۶۱

ایافت: چهارشنبه هفتم مهرماه با دو گردان نیرو از پایگاه چاکوپیاده حرکت کردیم، بیمارستان و مقر رادیویی حزب دمکرات در دره غازان مستقر بود که توسط نیروها آزاد شد. بعد از انقلاب پروژه احداث جاده‌ها رها شده بود، این مقر به دست ضدانقلاب افتاده بود، آنها با استفاده از همان ساختمان‌های زیربنایی که آنجا بود، ساختمان‌های جدید و یک مجموعه بیمارستانی ایجاد کرده بودند که متخصصین آن به وسیله حزب سوسیالیست فرانسه که ارتباط بسیار نزدیکی با حزب دمکرات کردستان ایران داشت، به صورت نوبه‌ای اعزام می‌شدند. روز جمعه نهم مهرماه با پیشروی رزمندگان دو قبضه کالیبر ۵۰ در پایگاه خرپاپ مستقر کردند. ضدانقلاب تحت سرپرستی فقه رسول در قسمت جنوب و جنوب غربی پایگاه شیوه‌مردان به مختصات (۳۶ - ۳۰) مستقر شدند (پیام ارتش و قرارگاه حمزه، ۱۳۶۱). همچنین سرگرد کریم علیار (پس از انقلاب اسلامی به حزب دمکرات پیوست) و عبدالقادر دباغی در سرشیو مستقر بودند، جهت رهبری عملیات چته‌های دمکرات به محور پیرانشهر - سردشت فراخوانده شدند (گزارش اطلاعاتی قرارگاه حمزه، ۱۳۶۱). با نزدیک شدن نیروها به شیواشان، حزب دمکرات که احساس خطر می‌کرد، ۱۱ مهرماه بیمارستان شیواشان را تخلیه کرد (همان، گزارش اطلاعاتی قرارگاه حمزه، ۱۳۶۱).

مرحله هشتم: پاک‌سازی جاده از سه راه آلواتان تا آلواتان، شروع عملیات ۲۱ مهرماه ۱۳۶۱

چهارشنبه ۲۱ مهرماه ساعت یک بامداد، یک گروهان به فرماندهی قمی برای آزادسازی ارتفاع آلواتان و دورزدن قوای دشمن رها شدند. کاوه یک گروهان از زبده‌ترین نیروها برای ارتفاع آلواتان

(۱۷۷۷) اختصاص داد، گروهان با یک بار مبنای سلاح سبک وظیفه داشت، شبانه از سه خط پدافندی دشمن عبور کنند و خود را به ارتفاع برسانند و بلافاصله شروع به کندن سنگر و استقرار روی ارتفاع کنند (مصاحبه سردار ایافت، ۱۳۶۱).

وارد سه راهی آلواتان شدیم، ۲ گردان، یکی سمت راست و یکی سمت چپ، سمت راست شهید قمی و پیشمرگ‌های پیرانشهر بودند... شب بعدش من عمل می‌کنم روی ارتفاع آلواتان،... با پنج نفر رفتیم افتادیم توی کمین، من و دو تا فرمانده گروهان و دسته و دو تا بلدچی رفتیم، [دمکرات‌ها] کمین زدند، درگیر شدم، تنها ماندم که درگیری‌ها تن‌به‌تن شد، ما نارنجک انداختیم، شب بود،... هرچه الله‌اکبر گفتیم بینیم کسی الله‌اکبر را جواب می‌دهد تا جهت را پیدا کنیم، کسی جواب نداد تا صبح چند بار لای درخت‌ها، شروع کردند به کوبیدن، یکی از جاهایی که توپخانه خیلی خوب عمل کرد، اینجا بود،... هی توپ این ور آن ور می‌خورد. توی این فضا تونستیم برویم تا صبح شد، یگان موتوریزه آقای شهید کاوه از جاده می‌آمدند، من از پشت سر آنها بالا آمدم به ستون که رسیدم، ارتفاع را گرفتیم که مشرف به روستای آلواتان بود، یک مرحله دیگر عملیات شد که ما آمدم جاده پیرانشهر به میرآباد. یک بار از میرآباد به سمت آلواتان به مرز دولتو و جاسوسان می‌رسد. زندان [آلواتان و دولتو] تخلیه شده بود (علاماتی، ۱۳۹۷: ۹).

روز پنجشنبه ۲۲ مهرماه، ساعت ۶ صبح نیروهای گردان امام علی (علیه السلام)... موفق شدند، روستای آلواتان و پاسگاه آلواتان را پاک‌سازی کنند (گزارش نوبه‌ای قرارگاه حمزه و ارتش، ۱۳۶۱)، ایستگاه رادیوی آزاد کردستان را متلاشی نمایند (همان، گزارش نوبه‌ای قرارگاه حمزه و ارتش، ۱۳۶۱)، زندان معروف آلواتان را تسخیر کنند، زندان آلواتان حدود ۳۷۰ نفر بودند که ۱۲ شهریورماه تخلیه شده بود (همان، گزارش نوبه‌ای قرارگاه حمزه و ارتش، ۱۳۶۱). جنگل‌های انبوه و موقعیت خاص جغرافیایی، مرکز فرماندهی ضدانقلاب و از مقرهای اساسی و حساس ضدانقلابیون و حزب منحلہ دموکرات به‌شمار می‌رود [آزاد شد]. تصرف کامل منطقه آلواتان به‌منزله تصرف خونین شهر در جنوب کشورمان بود (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۱: ۱۱).

مرحله نهم: پاک‌سازی کُنه مشکه و ارتفاعات جاسوسان، شروع عملیات ۲۴ مهرماه ۱۳۶۱  
۲۴ مهرماه نیروها مرحله نهم عملیات را از دو محور آغاز کردند، یک محور از طریق جناح مرز که به کوه جاسوسان می‌رسید، با به‌کارگیری نیروهای بارزانی به‌صورت پیاده و چریکی به فرماندهی علی قمی و غلامرضا علاماتی، عملیات در این محور، عملیاتی نفوذی و احاطه‌ای بود. برای مقابله با نیروهای

## بازکنکاشی نو در مورد نقش تیپ ویژه شهدای سپاه در عملیات آزادسازی منطقه پیرانشهر - سردشت در سال ۱۳۶۱

طالبانی، عملیات در محور دیگر را نیروهای تیپ ویژه شهدا به فرماندهی محمود کاوه به صورت ضدچریک و به کارگیری ستون موتوریزه در جاده آلواتان به طرف کونه مشکه، ارتفاعات جاسوسان و سپس دولتو می‌رفت، برعهده داشتند. در مرحله نهم با استقرار نیروها در دشت کنه مشکه و ارتفاعات جاسوسان، برای اولین بار بود که ما در این منطقه، یعنی از پیرانشهر به سمت جنوب به مرز می‌رسیدیم، یکی از راه‌های اساسی پشتیبانی ضدانقلاب را می‌بستیم، ولی از شهر پیرانشهر به پایین تمام مرز دست ضدانقلاب بود (گزارش نوبه‌ای عملیاتی ارتش، ۱۳۶۱). روز دوشنبه سوم آبان‌ماه، ساعت ۱۴ نیروهای کما ۱۱ (بارزانی) بدون تلفات وارد کنه مشکه شدند و این روستا را در اختیار گرفتند (گزارش عملیاتی قرارگاه حمزه، ۱۳۶۱). ساعت ۱۷ همین روز، دو قبضه توپ ۱۰۵ م که از پادگان مهاباد سرقت شده بود در ارتفاعات حوالی کنه مشکه به‌غنیمت درآمد. این دو قبضه توپ، هسته اولیه توپخانه تیپ ویژه شهدا شد. به‌دنبال پیشروی رزمندگان اسلام مقر فرماندهی هیز آواره از منطقه منگور به منطقه شاز و قاز به مختصات (۶۱ - ۳۲) منتقل و کمافی‌السابق سیدرسول دهقان فرماندهی هیز موصوف را برعهده داشت.

مرحله دهم: پاک‌سازی جاده از سه راهی آلواتان تا میرآباد، سه‌شنبه ۲۷ مهرماه ۱۳۶۱

صبح روز سه‌شنبه ۲۷ مهرماه، نیروهای تیپ ۱ و ۲ لشکر ۶۴ ارومیه همراه نیروهای رزمنده تیپ شهدا حرکت خود را برای پاک‌سازی میرآباد آغاز کردند (گزارش عملیاتی قرارگاه حمزه و ارتش، ۱۳۶۱). نیروها در حال پیشروی بودند، آنها مجبور بودند برای پاک‌سازی از مسیر جاده عبور کنند، چون جاده خیلی نزدیک به رودخانه بود، یکی از فرماندهان گروهان به نام صمد بیلرام در تیراندازی‌هایی که از آن سمت دیگر رودخانه می‌شد، به شهادت رسید (مصاحبه سردار ایافت، ۱۳۶۱). روز دوم عملیات ۲۸ مهرماه، با پیشروی ۱۰ کیلومتری نیروها در جاده، یکی از آبادی‌های مهم و مکان آموزش ضدانقلابیون به نام میرآباد و ۶ روستای دیگر پاک‌سازی شد، مقر تشکیلاتی حزب دمکرات پاک‌سازی شد (گزارش اطلاعاتی قرارگاه حمزه و منطقه ۵، ۱۳۶۱) و بیش از ۷۰ نفر از ضدانقلابیون، از جمله یکی از سران آنها به نام رسول دهقانی فرمانده هیز منطقه به‌هلاکت رسید.

مرحله یازدهم: پاک‌سازی جاده از بازرگان تا علاوان، شنبه ۲۹ مهرماه ۱۳۶۱

روز یک‌شنبه ۳۰ مهرماه، تیپ ویژه شهدا با هماهنگی ارتش و بسیج عشایری منگور، توانستند طی یک عملیات موفقیت‌آمیز بیش از ۸ کیلومتر از جاده را پاک‌سازی کنند، در این عملیات، روستاهای شالی‌آباد، سالوس، ورمیشان، دشت غوره (زاویه غوره) و ارتفاعات مهم کره وپی (کوه کپو) و

سرآلوان (علاوان) از وجود ضد انقلابیون پاک‌سازی شد (گزارش عملیاتی قرارگاه حمزه و ارتش، ۱۳۶۱). در این عملیات تعداد زیادی از دشمنان به‌هلاکت رسیدند و به نیروهای سپاه اسلام هیچ‌گونه تلفاتی وارد نیامد (روزانه اطلاعات، ۱۳۶۱).

مرحله دوازدهم: پاک‌سازی جاده از میرآباد تا نبی‌آباد، چهارشنبه ۵ آبان‌ماه ۱۳۶۱  
صبح روز پنج‌شنبه ششم آبان ماه ۱۳۶۱، مصادف با روز عاشورا، پاک‌سازی از میرآباد به‌طرف نبی‌آباد به طول ۱۵ کیلومتر در جاده جدید شروع شد. مسئول محور ایافت بود (مصاحبه سردار ایافت، ۱۳۷۸). آبادی‌های گزلیه علی‌آباد و موسلان پاک‌سازی شد (گزارش عملیاتی قرارگاه حمزه و ارتش، ۱۳۶۱). در موسلان نیروهای حزب دمکرات به فرماندهی کریم خالدار جنایتکار خط تشکیل داده، آتش شدیدی روی نیروها اجرا کرده بودند. کاوه هدایت آتش را برعهده گرفت. دشمن مجبور به فرار و عقب‌نشینی شد (مصاحبه سردار ایافت، ۱۳۶۱). دشمن در نبی‌آباد به‌علت حملات و آتش شدید با دادن تلفات، مجبور به فرار شد و نیروها در پاسگاه مستقر شدند (گزارش عملیاتی قرارگاه و ارتش، ۱۳۶۱).

مرحله سیزدهم: پاک‌سازی جاده از نبی‌آباد تا کچل‌آباد، شامگاه روز شنبه ۸ آبان ماه  
روز شنبه هشتم آبان‌ماه نیروهای پیاده با استعداد ۲ گردان به فرماندهی عباس ولی‌نژاد طی یک راهپیمایی شبانه از معبر خطرناک جدیدی که برای این مرحله از عملیات در نظر گرفته شده بود، یعنی از حاشیه رودخانه بدون کوچک‌ترین درگیری عبور کردند، تا به ارتفاعات کچل‌آباد رسیدند. ضدانقلاب، ولی‌نژاد را به رگبار می‌بندند و وی به‌شهادت می‌رسد. نیروها با فریاد الله‌اکبر، ارتفاع را می‌گیرند. روز یکشنبه نهم آبان‌ماه، ستون موتوریزه به سمت روستای کچل‌آباد حرکت کرد (مصاحبه سردار ایافت، ۱۳۶۱). با شش کیلومتر پیشروی در جاده آبادی کچل‌آباد، دهگا که مقر فرماندهی ضدانقلابیون بود، آزاد شد.

مرحله چهاردهم: پاک‌سازی جاده آلاوان تا شیواوکان، دوشنبه ۱۰ آبان ماه ۱۳۶۱  
روز دوشنبه دهم آبان‌ماه ستون موتوریزه از سمت راست رودخانه شروع به حرکت کرد تا پشتیبانی آتش را از سمت راست رودخانه انجام دهد. نیروهای پیاده از سمت چپ و از ارتفاعات آلاوان به طرف رودخانه سرازیر شدند، نیروهای پیاده در جاده قدیم در سمت چپ رودخانه پیشروی می‌کردند و ستون موتوریزه با اجرای آتش از سمت دیگر رودخانه و از جاده جدید آنها را پشتیبانی می‌کرد. ضدانقلاب وقتی دیده بود از بالای سر و از چپ و راست در محاصره قرار گرفته است، فرار را برقرار

### بازکنکاشی نو در مورد نقش تپ ویژه شهدای سپاه در عملیات آزادسازی منطقه پیرانشهر - سردشت در سال ۱۳۶۱

ترجیح داده بود، فقط یک درگیری جزئی پیش آمد (مصاحبه سردار ایافت، ۱۳۶۱). در این مرحله نیروها طی عملیاتی هماهنگ و موفق با پاک‌سازی هشت کیلومتر دیگر از محور، مقر ضدانقلابیون در روستای آلاوان را منهدم کردند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۱). در یکی از مقرهای دشمن امان‌نامه‌ای کشف شد که اوج استیصال ضدانقلاب را نشان می‌داد (مصاحبه سردار ایافت، ۱۳۶۱).

ایافت: برای الحاق نیروها از دو سمت جاده روز شنبه ۱۵ آبان ماه ۱۳۶۱؛ آقایان بروجردی، آبخناسان با یک بالگرد ۲۱۴ و دو فروند کبری از میرآباد عازم سردشت شدند، از قرارگاه حمزه سیدالشهدا برادر سنجقی (پیام‌ها و اسناد سگاه سردشت، ۱۳۶۱) و از سپاه سردشت... و ارتش آقای دادبین بودند.

مرحله پانزدهم: پاک‌سازی جاده از کچل‌آباد تا گریژال، شامگاه روز یکشنبه ۲۳ آبان ماه ۱۳۶۱ تپ ویژه، مرحله پانزدهم عملیات را از سمت پیرانشهر به طرف سردشت، باید از ارتفاعات کچل‌آباد به طرف گریژال انجام می‌داد، این مرحله بسیار حساس و سخت بود. نیروها مجبور بودند، ارتفاعات سرگما را از یال‌های غربی آن که شیب زیادی داشت، بالا بروند. دو ارتفاع بلند و سوق الجشی مشرف بر طرفین جاده بود. دو گردان وارد عمل شدند. گردان علی‌ابن‌ابیطالب (علیه السلام) به فرماندهی علی قمی و گردان حضرت رسول (صلوات الله علیه) به فرماندهی ابراهیم الماسی، برای استقرار در این ارتفاعات حرکت کردند. گردان امام علی (علیه السلام) سمت راست و گردان حضرت رسول (صلوات الله علیه) سمت چپ جاده را باید پاک‌سازی می‌کردند. گردان حضرت رسول (صلوات الله علیه) برای رفتن روی ارتفاع سمت چپ ناچار باید از رودخانه پر آب زاب عبور می‌کردند.

گردان علی‌ابن‌ابیطالب سمت راست جاده را آزاد و پاک‌سازی کردند. برای دستیابی به ارتفاع موردنظر از رودخانه عبور کردند، درحالی‌که پلی برای عبور و شناوری برای عبور وجود نداشت. روی زمین ۴۰ تا ۵۰ سانتیمتر برف نشسته بود، دمای هوا ۱۵ تا ۲۰ درجه زیر صفر بود، هیچ عقل سلیمی باورش نمی‌شد که در این شرایط جوی و آب و هوا بشود کار نظامی کرد، چه برسد به اینکه از رودخانه‌ای به عمق ۱ تا ۲ متر با شدت جریان آب زیاد، بتوان عبور کرد؛ اما نیروها با روحیه‌ای بالا به آب زدند، برای اینکه آب بچه‌ها را با خودش نبرد، همه به صورت زنجیره‌ای همدیگر را گرفتند و به صورت عرضی وارد رودخانه شدند (مصاحبه سردار ایافت، ۱۳۶۱).

صبح ۲۴ آبان‌ماه ستون موتوریزه از کچل‌آباد به طرف گریژال حرکت کرد. آقای عبدی، ظریف و

حامد به جمع نیروهای تیپ اضافه شدند (مصاحبه سردار ایافت، ۱۳۶۱). پیش‌بینی شده بود جاده مین‌گذاری شده باشد. جاده را برف گرفته بود و مین‌یابی مشکل بود. گاو و گوسفندها به فاصله ۱۰۰ تا ۲۰۰ متری جلوی نیروها به راه افتادند. به‌همین ترتیب نیروها تا گریژال رفتند (همان، مصاحبه سردار ایافت، ۱۳۶۱). ۳۰۰ نفر نیروی طالبانی و دمکرات از گریژال به حوالی محور مهاباد - سردشت فرار کرده بودند (گزارش اطلاعاتی قرارگاه حمزه و ارتش، ۱۳۶۱).

الحاق نیروهای سردشت و پیرانشهر، حمزه عبدی‌فرد فرمانده تیپ ۱۵۵ ویژه شهدا روستای گریژال، دوشنبه ۱۳۶۱/۸/۲۶

با الحاق نیروها در گریژال از همانجا ستون به‌راه انداختیم و به سردشت رفتیم، ستون ساعت ۱۲:۳۰ وارد سردشت شد، در شهر سردشت همه مردم بیرون آمده بودند، مردم باور نمی‌کردند این همه نیرو و امکانات از طرف پیرانشهر می‌آیند، نیروهای مستقر در سردشت و همه مردم در خیابان شادی می‌کردند، با سلاح‌هایی که در دست داشتند به نشانه شادی، تیراندازی می‌کردند.

مرحله شانزدهم: پاک‌سازی جاده از جمکا تا شیواوکان، شروع عملیات آبان‌ماه ۱۳۶۱

مرحله شانزدهم عملیات از شیواوکان تا جمکا بود، جمکا مقابل گریژال و سمت چپ رودخانه قرار داشت، ما از آنجا تا شیواوکان رفتیم و قسمتی را که در مرحله چهاردهم پاک‌سازی کرده بودیم، به گریژال متصل کردیم. به‌این ترتیب، امنیت لازم را در دو طرف رودخانه و جاده برقرار کردیم، چند روزی آنجا ماندیم تا گریژال را آزاد کردیم و بعد تا واوان با نیروهای سردشت، امنیت کامل برقرار شد و استقرارها انجام شد. تا پایان آبان‌ماه در منطقه ماندیم و پاک‌سازی سمت چپ و راست رودخانه را تمام کردیم. جاده پیرانشهر - سردشت در پایان آبان‌ماه ۶۱ آزاد شد و محور را تحویل ارتش دادیم (مصاحبه سردار ایافت، ۱۳۶۱).

### یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل)

۱۶ مرحله عملیات راهبردی در منطقه عمومی پیرانشهر - سردشت به وسعت ۳۵۰۰ کیلومتر مربع از مردادماه ۱۳۶۱ به مدت ۴ ماه متوالی توسط تیپ ویژه شهدا و تیپ ۲ لشکر ۶۴ پیاده ارومیه اجرا شد. آقای ناصر کاظمی، اولین فرمانده تیپ ویژه شهدا و آقای محمدعلی گنجی‌زاده، دومین فرمانده تیپ ویژه شهدا در این عملیات به شهادت رسیدند. رکن دوم تیپ ویژه شهدا، اطلاعات گروهک‌ها را

از طریق یگان‌ها، نیروهای بومی و شناسایی منطقه، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل کرد. رکن سوم تیب با طرح‌ریزی دقیق عملیات و ارکان ۳ و ۴ تیب با پشتیبانی نیروی انسانی و لجستیکی، موجب پیروزی در عملیات سرنوشت‌ساز پیرانشهر - سردشت شد.

یکی از راه‌های برون‌رفت مسئولین نظام از بحران کردستان، ایجاد امنیت پایدار توسط مردم بومی منطقه بود، ایجاد بستر مناسب برای تشکیل سازمان پیشمرگان کرد مسلمان ایل منگور و تسلیح مردم بومی منطقه موجب شد تا این امر محقق شود، با توسعه این سازمان‌ها، وجود نیروهای رزمی مانند تیب ویژه شهدا در کردستان و آذربایجان غربی کاهش یافت و از آنها در جبهه‌های جنوب و غرب کشور استفاده شد.

#### جمع‌بندی نتایج عملیات پیرانشهر - سردشت

در پی پاک‌سازی محور ۹۷ کیلومتری پیرانشهر - سردشت، قرارگاه حمزه سیدالشهدا (علیه السلام)، مرکز فرماندهی مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ضمن تبریک به امام و مردم، نتایج حاصل از این عملیات را به این شرح اعلام کرد:

۱. تأمین امنیت ۹۷ کیلومتر جاده مرزی پیرانشهر - سردشت؛
۲. آزادسازی و کنترل کامل مراکز فرماندهی حزب منحله دمکرات در هنگ آباد، آلواتان، و اوام، میرآباد و تصرف مرکز رادیویی دمکرات در شیوه‌جو؛
۳. متلاشی کردن مرکز فرماندهی و تشکیلات حزب منحله دمکرات در مکان‌های یادشده؛
۴. انهدام مقر گروهک تروریستی امریکایی منافقین در چاکو و قطع محور تدارکاتی آنان از عراق به داخل میهن اسلامی ایران؛
۵. وارد کردن تلفات سنگین به ضدانقلاب وابسته، (۴۰۰ نفر کشته، ۵۰۰ نفر زخمی و ۹۷ نفر اسیر رزمندگان اسلام شدند)؛
۶. به‌دست آوردن غنائم، اسناد و مدارک فراوان از گروهک‌ها؛
۷. غنیمت گرفته‌شدن ۳ قبضه توپ ۱۰۵ م، ۲ دستگاه بلدوزر و چندین دستگاه انواع خودرو؛
۸. کشف و به‌دست آوردن تعدادی انواع سلاح و مقادیر زیادی انواع مهمات؛
۹. آزادسازی ۲۵ روستا در مسیر جاده و دستیابی به نیروهای مردمی منطقه که مدت ۳ سال زیر سلطه مزدوران وابسته امریکایی و جنایتکار که کلیه آزادی‌های فردی و اجتماعی خود را از دست داده بودند (گزارش نوبه‌ای ارتش، ۱۳۶۱).

به دنبال بازگشایی کامل جاده پیرانشهر - سردشت، امام خمینی (رحمت الله علیه) خطاب به رزمندگان اسلام فرمودند: «از قول من به کلیه رزمندگان اسلام به‌ویژه رزمندگانی که در منطقه عملیاتی قرارگاه حمزه سیدالشهدا (علیه السلام) با دشمنان اسلام مبارزه می‌کنند، تبریک بگوئید. اسلام و مسلمانان به این پیروزی‌های چشمگیر شما چشم دوخته‌اند و از یاد هیچ‌یک از ما نخواهد رفت. شما فرزندان عزیز ملت هستید، فتحی که به دست شما صورت گرفت، برای ملت سرافرازی بود و امیدوارم این پیروزی تا آخرین مرحله موفق باشد، سلامت و سعادت تمام رزمندگان را از خداوند خواهانم و از دعا شما را فراموش نخواهم کرد» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۷: ۹۴).

## منابع

۱. امام خمینی (ره)، روح‌الیه (۱۳۶۱)، صحیفه نور، تهران: مرکز حفظ آثار امام خمینی.
۲. ایزدی، مصطفی؛ یاران، مسعود و جواد استکی (۱۳۸۶)، تاریخ بیست ساله پاسداری از انقلاب اسلامی در غرب کشور، ج ۱ و ۲، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات توسعه امنیت پایدار.
۳. پیری، هادی مراد و همکاران (۱۳۸۰)، اصول و قواعد اساسی رزم، تهران: انتشارات دافوس سپاه.
۴. جزوه بیوگرافی افراد حزب منحلہ دمکرات کنگره ششم ۶۲/۱۱/۲.
۵. چمران، مصطفی (۱۳۶۱)، گُردستان، تهران: انتشارات بنیاد شهید چمران.
۶. چوخاچی زاده مقدم، محمدباقر؛ امینی قشلاقی، داوود (۱۳۸۹)، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره سوم: ۱۸۶ - ۲۱۰.
۷. حافظنیا محمدرضا (۱۳۷۹)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، پژوهشکده امیرکبیر، تهران: انتشارات پاپلی.
۸. ژرژ باریان (۱۳۷۴)، خوش‌بینی ترس، ترجمه هوشیار رزم‌آزما، تهران: نشر سپنج.
۹. شرفی، مهدی و همکاران (۱۳۹۳)، گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان آذربایجان غربی، ارومیه: سازمان برنامه و بودجه آذربایجان غربی.
۱۰. شکری، ابوالقاسم (۱۳۸۹)، ناصر انقلاب (زندگی حماسی سردار شهید ناصر کاظمی) تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۱۱. صادقی رضا (۱۳۸۸)، اطلس راهنما ۱۲؛ آذربایجان غربی، در جنگ با صد انقلاب، تهران:



مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران.

۱۲. قصری، محمد (۱۳۸۶)، تقسیمات کشوری، تعامل قومیت‌ها و امنیت ملی، مجله نگرش راهبردی.

۱۳. منصور، احمد (۱۳۸۱)، خلاصه تاریخچه یگان‌های مانوری (رزمی) سپاه در مناطق غرب و شمال غرب اصفهان، کمیته تدوین تاریخ عملیاتی یگان‌های مانوری سپاه.

۱۴. میری، سیدعلیرضا (۱۳۹۷)، خاطرات جواد نظام‌پور، خراسان: نشر ستاره‌ها.

#### مصاحبه‌ها

۱. خاطرات علی اصغر آزادمنش، پزشک‌یار تیپ ویژه شهدا در سال ۶۱، نشر ستاره‌ها.
۲. مصاحبه جاوید نظام‌پور (۱۳۷۸)، سرگذشت پژوهی شهید محمود کاوه، کنگره سرداران و ۲۳ هزار شهید استان خراسان، نشر ستاره‌ها.
۳. مصاحبه حسن میرزایی، کنگره سرداران و ۲۳ هزار شهید استان خراسان ۱۳۷۸، نشر ستاره‌ها.
۴. مصاحبه سردار ابوالقاسم شکری با سردار اسماعیل احمدی‌مقدم، ۱۳۸۱/۲۰/۲۵ و پاک‌سازی ربط ۱۳۷۸/۰۴/۱۵.
۵. مصاحبه سردار جواد استکی، فرمانده قرارگاه حر ۱۳۸۰.
۶. مصاحبه سردار دکتر غلامرضا علاماتی، دوشنبه نهم مردادماه ۱۳۹۷.
۷. مصاحبه سردار رستگارپناه، ۱۳۹۶/۰۸/۱۲.
۸. مصاحبه سردار شاهوردی (امام قلی)، (۸۱/۰۵/۱۴) پروژه شهید بروجردی.
۹. مصاحبه سردار مجید ایافت (۱۳۷۸)، سرگذشت پژوهی شهید محمود کاوه، کنگره سرداران و ۲۳ هزار شهید استان خراسان، نشر ستاره‌ها.
۱۰. مصاحبه علی اکبر طالع مرادی (۱۳۷۸)، سرگذشت پژوهی شهید محمود کاوه، کنگره سرداران و ۲۳ هزار شهید استان خراسان، نشر ستاره‌ها.
۱۱. مصاحبه علی اکبر محسنی (۱۳۷۸) سرگذشت پژوهی شهید محمود کاوه، کنگره سرداران و ۲۳ هزار شهید استان خراسان، نشر ستاره‌ها.
۱۲. مصاحبه محمد بهشتی‌خواه (۱۳۷۸)، سرگذشت پژوهی شهید محمود کاوه، کنگره سرداران و ۲۳ هزار شهید استان خراسان، نشر ستاره‌ها.
۱۳. مصاحبه محمدرضا طباطبایی، بخشدار مرکزی مهاباد (۶۱/۰۶/۲۱).

گزارشات، پیام‌ها و اسناد ارتش و سپاه

۱. طرح عملیاتی پاک‌سازی محور پیرانشهر - سردشت، ارتش جمهوری اسلامی ایران، رکن ۳ تیپ ۱ پیرانشهر، ۳۱ خرداد ۱۳۶۱.
۲. طرح عملیاتی شهید کاظمی با پیوست‌ها - گزارش اطلاعاتی و خلاصه اطلاعاتی شماره ۱، هشتم شهریور ماه ۱۳۶۱.
۳. اسناد قرارگاه مقدم لشکر پیاده ۶۴، رکن ۲ قرارگاه حمزه سیدالشهدا(علیه السلام)، لشکر ۲۸ سنندج، ۱۲ و ۱۳۶۱/۰۷/۲۱.
۴. پیام‌ها و اسناد سپاه از فرماندهی سردشت - مقدم به فرماندهی سپاه کردستان، ۰۷/۲۷ و ۱۳۶۱/۰۸/۱۵.
۵. گزارش نوبه‌ای اطلاعاتی شماره ۱۴ و ۱۶ قرارگاه عملیاتی حمزه سیدالشهدا(علیه السلام)، رکن ۳ لشکر ۶۴ ارومیه، ۶ و ۱۳۶۱/۰۶/۲۴.
۶. گزارش عملیاتی شماره ۲۶ و نوبه‌ای اطلاعاتی شماره ۱۲ و ۲۴ قرارگاه عملیاتی حمزه سیدالشهدا - رکن ۲ و ۳ لشکر ۶۴ ارومیه ۱۱، ۱۸ و ۱۳۶۱/۰۶/۱۹.
۷. گزارش نوبه‌ای اطلاعاتی شماره ۲۴ و ۳۴، رکن ۲ قرارگاه حمزه سیدالشهدا(علیه السلام)، لشکر ۲۸ سنندج، ۱۱، ۱۲ و ۱۳۶۱/۰۷/۲۱.
۸. گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۳۷ و ۶۸ رکن ۳ قرارگاه حمزه سیدالشهدا(علیه السلام)، تیپ ۱ پیرانشهر، ۳۰، ۱۳۶۱/۰۶/۲۹.
۹. گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۴۲ و گزارش اطلاعاتی شماره ۲۲ رکن ۳ و ۲ و قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع)، لشکر ۶۴ ارومیه، ۳ و ۱۳۶۱/۰۷/۴.
۱۰. گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۴۵ و ۴۶ رکن ۳ قرارگاه حمزه سیدالشهدا(علیه السلام)، لشکر ۶۴ ارومیه ۶، ۱۳ و ۱۳۶۱/۰۷/۱۴.
۱۱. گزارش نوبه‌ای اطلاعاتی شماره ۵۶، رکن ۲ قرارگاه حمزه سیدالشهدا(علیه السلام)، لشکر ۶۴ پیاده ارومیه، ۱۱، ۱۳۶۱/۰۷/۲ پس از فتح.
۱۲. گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۶۶ و ۶۷، رکن ۳ قرارگاه حمزه سیدالشهدا(علیه السلام)، لشکر ۶۴ ارومیه ۲۷، ۲۹ و ۱۳۶۱/۰۷/۲۸.
۱۳. گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۷۲ و نوبه‌ای اطلاعاتی شماره ۷۸، رکن ۲ و ۳ قرارگاه حمزه

**بازکنکاشی نو در مورد نقش تیپ ویژه شهدای سپاه در عملیات آزادسازی منطقه پیرانشهر - سردشت در سال ۱۳۶۱**

- سیدالشهدا(ع)، لشکر ۶۴ ارومیه، ۴ و ۶۱/۰۸/۳ (جلد ۴).
۱۴. گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۷۴ و ۷۵، رکن ۳ قرارگاه حمزه سیدالشهدا(علیه السلام)، لشکر ۶۴ ارومیه، ۵، ۰۶ و ۱۳۶۱/۰۸/۰۷.
۱۵. گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۷۸، رکن ۳ قرارگاه حمزه سیدالشهدا(علیه السلام)، سپاه پاسداران، قرارگاه حمزه ۹ و ۱۳۶۱/۰۸/۱۰.
۱۶. گزارش نوبه‌ای اطلاعاتی شماره ۸۴، رکن ۲ قرارگاه حمزه سیدالشهدا(علیه السلام)، لشکر ۶۴ ارومیه، ۰۳ و ۱۳۶۱/۰۹/۰۴.
۱۷. سند شماره: ۳/۶۷ گزارش نوبه‌ای شماره ۹۲ مورخ ۱۳۶۱/۸/۲۳.
۱۸. گزارش نوبه‌ای اطلاعاتی شماره ۱۹۸ و ۲۰۱ رکن ۲ قرارگاه حمزه سیدالشهدا(علیه السلام)، لشکر ۶۴ پیاده ارومیه، ۱۷ و ۱۳۶۱/۰۷/۰۷.
۱۹. نوار شماره ۹، سمینار سپاه بانه، حین بصیری، محمدرضا طباطبایی، مجید قادرخانزاده .

**روزنامه‌ها**

۱. روزنامه اطلاعات، روابط عمومی سپاه پاسداران، ۶۱/۰۷/۰۵ و ۶۱/۶/۳۱، ۱۳۶۱/۰۸/۱۳.
۲. روزنامه اطلاعات، برادر محصولی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقه ۵ کشور، ۶۱/۰۶/۲۴.
۳. روزنامه اطلاعات، اطلاعیه قرارگاه حمزه سیدالشهدا(علیه السلام)، مرکز عملیات مشترک ارتش و سپاه ۶۱/۷/۲۵، ۶۱/۸/۲ و ۶۱/۰۸/۱۲.
۴. روزنامه اطلاعات، به نقل از انصاری فرماندار پیرانشهر ۶۱/۱۰/۰۱.
۵. سایت راهیان نور، آلواتان، سایت تخصصی راویان، نویسنده Ravayat
- [www.ravianerohani.ir/fa/](http://www.ravianerohani.ir/fa/)